

اصول طراحی مراکز اسلامی با رویکرد همزیستی فرهنگی:

بررسی موردی در کشور انگلستان

چکیده: "مراکز اسلامی" یکی از مهمترین نمادهای حضور مسلمانان در کشورهای غیر مسلمان هستند و اهمیت زیادی از جنبه هویتی دارند همچنین از طرفی دیگر، این مراکز نماینده فرهنگی جامعه مسلمان در افکار عمومی جامعه میزبان محسوب میشوند. لذا چگونگی طراحی آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف این پژوهش دستیابی به اصولی برای طراحی مراکز اسلامی است که منجر به حفظ و تقویت هویت فرهنگ اسلامی و بهبود همزیستی با جوامع میزبان شود. این پژوهش ابتدا با بررسی مطالعات پیشین به شناسایی ابعاد مسئله پرداخت و مشخص شد، دو مفهوم "هویت" و "همزیستی" مسئله اصلی در این پژوهش است. سپس مفاهیم "هویت" و "همزیستی" در معماری مراکز اسلامی را بر اساس مدل اجزای مکان در سه محور "معنا"، "فرم فیزیکی" و "فعالیت" مورد بررسی قرار داد. تمرکز این پژوهش بر بررسی مسئله "هویت" و "همزیستی"، از نگاه کاربران مسلمان است؛ لذا برای دستیابی به دیدگاهی جامع تر و دقیقتر، از ابزار پرسشنامه استفاده شد. به دلیل اینکه در پی این تحقیق، پژوهشگران درصدد طراحی یک مرکز اسلامی در کشور بریتانیا بودند، پرسشنامه در میان مسلمانان ساکن در انگلستان صورت پذیرفت. این پرسشنامه شامل پرسش‌های بسته و باز است و با هدف شناسایی و بررسی نیازها، دیدگاه‌ها و ترجیحات بصری جامعه مسلمان، انجام گرفت. علاوه بر این مرور جامعی بر نظریات و دیدگاه‌های صاحب نظران در مورد ویژگی‌ها و المان‌های مراکز اسلامی و مساجد صورت گرفت. سپس نتیجه‌گیری این تحقیق بر اساس تحلیل تطبیقی نتایج پرسشنامه و نظریات محققین این حوزه بدست آمد. دستاورد تحقیق در قالب یک مدل راهبردی در سه محور "معنا"، "فرم فیزیکی" و "فعالیت" ارائه شده است، که اصولی را در هر بخش ارائه می‌کند که کاربست آن در طراحی میتواند به "بهبود همزیستی مراکز اسلامی با جامعه میزبان" و "حفظ هویت اسلامی" مراکز اسلامی کمک کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که استفاده از نمادها ارزش‌های اسلامی در طراحی با ایجاد فرصت ابراز هویت، احساس محرومیت را کم و حس پذیرش در جامعه را در اقلیت مسلمان را بیشتر میکند و سبب کاهش تنش‌های فرهنگی و افزایش حس تعلق و نزدیکی بیشتر با فرهنگ ملی کشور میزبان میشود. از طرف دیگر، تلاش برای استفاده از المان‌ها بصری و ارزش‌های مشترک موجب کاهش حساسیت‌های جامعه میزبان و ارتباط بهتر با جمعیت

مسلمان خواهد شد. با بکاربردن یک رویکرد همگرایانه، مراکز اسلامی میتواند هم به عنوان یک مرکز دینی برای مسلمانان و هم به عنوان یک مرکز فرهنگی برای کل جامعه ایفای نقش کنند. این امر خود میتواند منجر به تقویت فرهنگ اسلامی و جذابیت و بهبود چهره فرهنگ اسلامی و جامعه مسلمان در افکار عمومی جامعه میزبان شود. در نتیجه "هویت" و "همزیستی" دو مفهوم مستقل از یکدیگر نیستند لذا برای دستیابی به "همزیستی فرهنگی پایدار با جامعه میزبان" در عین "حفظ هویت اسلامی"، در طراحی مراکز اسلامی میبایست هر دو جنبه را در نظر داشت.

واژگان کلیدی: مرکز اسلامی، معماری اسلامی، همزیستی فرهنگی، زمینه گرایی، اسلام در غرب.

The principles of designing Islamic centers with the approach of cultural coexistence: A case study in England

Abstract: "Islamic centers" are one of the most important symbols of the presence of Muslims in non-Muslim countries and are very important in terms of identity. Also, on the other hand, these centers are considered the cultural representative of the Muslim community in the public opinion of the host society. Therefore, how they are designed is of particular importance. The aim of this research is to find principles for the design of Islamic centers that will lead to the preservation and strengthening of the identity of Islamic culture and the improvement of coexistence with the host communities.

This research first identified the dimensions of the problem by examining the previous studies and it was determined that the two concepts of "identity" and "coexistence" are the main issues in this research. Then, the concepts of "identity" and "coexistence" in the architecture of Islamic centers were examined based on the model of place components in the three axes of "meaning", "physical form" and "activity". The focus of this research is on examining the issue of "identity" and "coexistence" from the point of view of Muslim users; Therefore, in order to get a more comprehensive and accurate view, a questionnaire tool was used. Due to the fact that following this research, the researchers wanted to design an Islamic center in England, a questionnaire was conducted among Muslims living in England. This questionnaire includes closed and open questions and was conducted with the aim of identifying and investigating the needs, views and visual preferences of the Muslim community. The results of this research were obtained based on comparative analysis of questionnaire results and library studies and previous researches of researchers in this field.

The result of the research is presented in the form of a strategic model in three axes "Meaning", "Physical Form" and "Activity", which presents principles in each section that can be applied in design to "improve the coexistence of Islamic centers with the host society." and "preserving Islamic identity" help Islamic centers. The results of this research indicate that the use of symbols of Islamic values in design by creating an opportunity to express identity, reduces the feeling of deprivation and increases the sense of acceptance in the society in the Muslim minority, and causes a reduction in cultural tensions and an increase in the sense of belonging. closer to the national culture of the host country. On the other hand, trying to use visual elements and common values will reduce the sensitivities of the host society and better communication with the Muslim population. By using a convergent approach, Islamic centers can play a role both as a religious center for Muslims and as a cultural center for the whole society. This can lead to the strengthening of Islamic culture and the attractiveness and improvement of the image of Islamic culture and Muslim society in the public opinion of the host society. As a result, "identity" and "coexistence" are not two concepts independent of each other, so in order to achieve "stable cultural coexistence with the host society" while "preserving Islamic identity", both aspects should be considered in the design of Islamic centers.

Keywords: Islamic Center, Islamic Architecture, Cultural Coexistence, Contextualism, Islam in the West.

۱- مقدمه

مراکز اسلامی و مساجد یکی از مهمترین فضاهای تعاملی مسلمان با یکدیگر و نماد حضور مسلمانان در کشورهای غربی است و اهمیت زیادی برای اقلیت مسلمانان دارد (Kahera et al., ۲۰۰۹). این مراکز هم پایگاه اصلی حفظ و تقویت هویتی و معنوی برای مسلمانان در این کشورها هستند و هم نماینده فرهنگی جامعه مسلمان برای افکار عمومی جامعه میزبان. این مراکز علاوه بر مرکزی عبادی-دینی، محلی هم برای تعاملات اجتماعی، آموزش و خدمات اجتماعی و مناسبت های فرهنگی هستند (Farrag, ۲۰۱۷).

در اثر افزایش حضور مسلمانان در کشورهای غربی و افزایش حساسیت افکار عمومی نسبت به مساجد در اروپا موضوع معماری مساجد و مراکز اسلامی به یکی از موضوعات مهم در پژوهش های سالیان اخیر در اروپا و آمریکا تبدیل شده است. بررسی جامعه شناسی و رفتاری مسلمان ساکن اروپا بعد از پیدایش داعش در اولویت های تحقیقی در کشورهایی مانند فرانسه

و بلژیک قرار گرفته است (Roy, ۲۰۱۷). در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان مانند لندن، واشنگتن یا پاریس مسجد یا مرکز اسلامی به عنوان نقطه مرجع مسلمانان در این شهرها فعالیت می کند (Kahera et al., ۲۰۰۹). بر اساس بررسی هایی که صورت گرفته، بسیاری از مراکز اسلامی فاقد جنبه های هویتی و معمارانه هستند. منظور از جنبه های هویتی معمارانه، سبک معماری اسلامی و ویژگی های هویتی و فرهنگی جوامع مسلمان است که در مکتب شناسی معماری از دیگر سبک ها قابل تمایز است. نظیر استفاده از گنبد و قوس و مناره و محراب و

در بعضی از این مراکز علاوه بر اینکه بنا فاقد مولفه های هویتی اسلامی است، حتی از شاخصه های معماری دیگر مذاهب مانند معماری کلیساها وام گرفته شده و تشخیص این بنا ها را به عنوان فضایی اسلامی با سختی روبرو میکند (Verkaaik, ۲۰۱۲). در بعضی از شهر های اروپایی بطور مشخص دولت ها اجازه بروز این سبک از معماری را نمی دهند و خود بانیان این مسئله هستند. آن ها دلایلی متعددی نظیر "حساسیت جوامع نسبت به گنبد و مناره"، "در چشم بودن" و "برهم زدن محیط شهر" دارند که در نتیجه راغب به این گونه از طراحی معماری نیستند (Farrag, ۲۰۱۷).

معماری و طراحی مراکز اسلامی و مساجد در غرب مبحثی مهم، هدف دار و نشانگر وضعیت روابط با جامعه میزبان و همچنین هویت و آرزوهای جامعه مسلمانان است (Biondo III, ۲۰۰۶). مساجد و مراکز اسلامی نهادهای پویایی هستند که برای پاسخگویی به شرایط متغیر جوامع، مدام تغییر می کند و فعالیتهای جدیدی را پوشش میدهند و در طول اعصار گذشته به شکلها، نوع ها و گونه های متفاوتی با کارکردهای زیادی طراحی و اجرا شده اند، تا حدی که نمود کالبدی هویتی مسلمانان هستند (Khan, 2008; Lotfi, ۲۰۰۱).

این دیدگاه طیف وسیعی از تفسیرهای وحدت اسلامی یا فرا اسلامی و ارتباط اجتماعی با غیر مسلمانان را نشان میدهد. اگرچه محققان معماری در وهله اول به مسئله سنت در مقابل مدرنیته توجه دارند (یا به عبارتی آیا یک مسجد جدید باید خاطره خاصی از کشور خود را به

تصویر بکشد یا محیط جدید را در نظر بگیرد)، اما یک موضوع بهتر برای تجزیه و تحلیل نحوه طراحی یک مرکز اسلامی، این است که آیا مرکز اسلامی در کشور میزبان هویت خود را به صورت کاملاً آشکار نشان می‌دهد یا نه. هرچند سال‌هاست از ظهور و ساخت مساجد و مراکز اسلامی در اروپا می‌گذرد، پژوهش درباره چگونگی ساخت این بناها با در نظر گرفتن بعد هویت هنوز مسئله‌ای مهم و جدید و بحث برانگیز است.

با توجه به مباحث مطرح شده، مسئله اصلی در طراحی مراکز اسلامی، نحوه مواجهه و نمود هویت مراکز اسلامی در محیطی با فرهنگی کاملاً متفاوت و کنار هم نشان دادن دو فرهنگ با هدف همزیستی پایدار فرهنگی است. لذا ابتدا به تعریف مفاهیم هویت مکانی در معماری و همزیستی در معماری می‌پردازیم تا با دستیابی به یک چارچوب نظری برای پژوهش بتوانیم به تحلیل و بررسی این موضوع و انجام پژوهش بپردازیم.

۲- چارچوب نظری و مفاهیم

۲-۱- هویت مکانی

"پروژنسکی" هویت مکانی را مجموعه‌ای از خاطرات، ایده‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، مفاهیم و تجربه‌هایی که به محیط کالبدی زندگی روزمره ما مربوط می‌شود میدانند (Proshansky, ۱۹۷۸). "شولتز"^۲ بیان می‌کند که هویت مکان از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها خلق می‌شود (Schulz, ۱۹۸۰). "استین"^۳ در تکمیل این نظریه به ارتباط میان معماری، مکان و هویت فرهنگی معتقد است و می‌گوید تجربه مکان، تجربه معنا و مفهوم مکان است (Steyn, ۲۰۱۸). "ظاهر طلوع دل" از "کالن"^۴ نقل می‌کند که برای حفظ هویت مکانها باید از یکنواختی و تشابه پرهیز کرد و شخصیت و ویژگی‌ها خاص هر مکان در آن متجلی شود (Cullen, ۱۹۹۵; ظاهر طلوع دل et al, ۱۳۹۵).

صاحب نظران این حوزه درباره رابطه با اجزای تشکیل دهنده مکان و نحوه ادراک و حس فضایی، نظریاتی را ارائه کرده‌اند که تقریباً به صورت مشابهی اجزای مکان و ارتباط میان آنها

را تبیین کرده اند. آنها اجزای مکان را شامل ۳ بخش قلمداد می کنند است (Canter, 1977; Montgomery, 1998; Punter, 1991; Relph, ۱۹۷۶):

۱) فرم فیزیکی (ویژگیهای کالبدی): مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، نسبت فضاها، عرصه های عمومی

۲) فعالیت ها: سرزندگی فضا، تنوع، فعالیتها و قرارگاههای رفتاری

۳) معنی (مفهوم/تصورات ذهنی): نماد گرایی، خاطره سازی، خوانایی، ارتباط روحی، شکوه



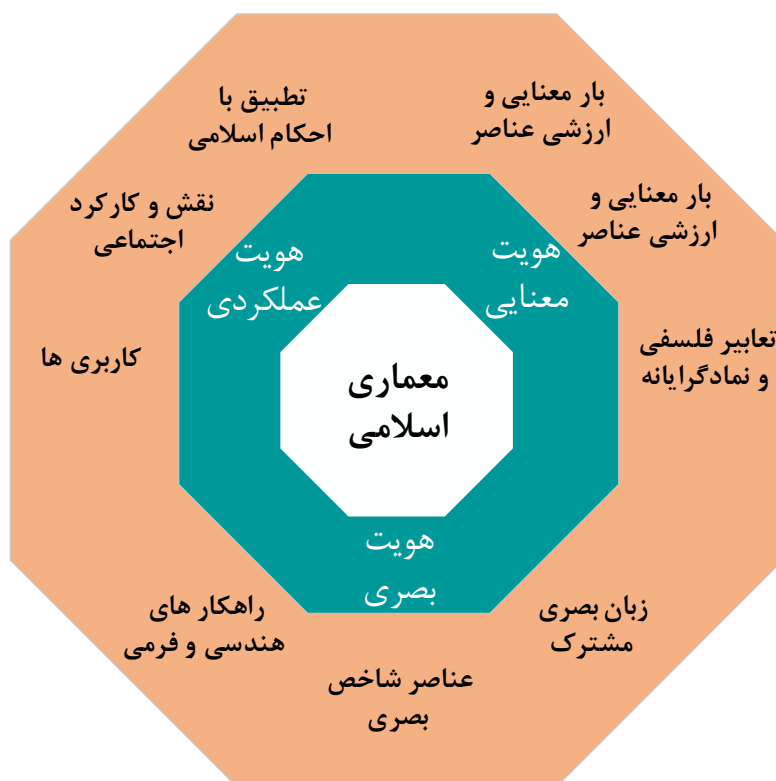
تصویرا: مدل اجزای مکان

Fig. 1- Place Component Diagram(Montgomery, 1998)

بر اساس آنچه گفته شد در اینجا یک مدل تطبیقی برای تحلیل "هویت مکانی معماری اسلامی" بر اساس مدل اجزای مکان پیشنهاد شد. این مدل بر اساس جنبه های مختلف هویت اسلامی و اهداف این تحقیق- یعنی بررسی اثر کالبد بر هویت مکان و امکان تغییر و همخوانی آن با شرایط مختلف (در اینجا قرار گرفتن در یک زمینه غیر اسلامی)- هویت اسلامی را در سه سطح تحلیل میکنیم که در قسمت های بعد به تفصیل میآید :

- هویت عملکردی: نقش مسجد، کاربری های مرتبط با آن، کارکرد اجتماعی و تطبیق معماری با احکام اسلامی
- هویت تصویری: زبان تصویری، نظام هندسی، راه حل های معمارانه و عناصر تشکیل دهنده آن

- هویت معنایی: بار معنایی و ارزشی همراه عناصر، تعبیر فلسفی و روانشناسانه در طراحی و نحوه تجلی و ارتباط عناصر با مسائل معنوی
- این مدل، مبنای طراحی پرسشنامه و تحلیل جنبه های هویتی در بخش روش تحقیق قرار گرفت.



تصویر ۲: مدل تطبیقی ابعاد هویت معماری اسلامی بر اساس تئوری های اجزاء مکان و هویت مکان

Fig. 2- A adaptive model of the aspects of Islamic architectural identity based on theories of place components and place identity

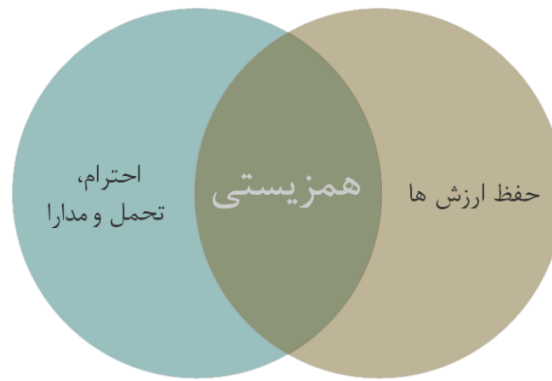
۲-۲- همزیستی فرهنگی

همزیستی فرهنگی یک پدیده پیچیده است که متضمن تأثیر متقابل پویای فردگرایی و جمع گرایی در جوامع و افراد است (Tamis-LeMonda et al., ۲۰۰۷). این امر مستلزم شناخت تنوع، ترویج مدارا و اجرای استراتژی‌هایی برای تقویت تعاملات مثبت بین گروه‌های مختلف است (مونسون و چتکو-یانوف، ۱۹۹۹). با این حال، دستیابی به همزیستی هماهنگ در جوامع چندفرهنگی به دلیل تمایلات متضاد، از جمله دیدگاه های غرب محور و ناسیونالیسم بومی، همچنان چالش برانگیز است

(تانگ، ۲۰۱۵). واژه های تساهل، تسامح، روا داری و مدارا که در ادبیات امروز برابر نهاد واژه تولریشن به کار میروند، تفاوت های معنایی دارند. واژه تولریشن^۹ از ریشه لاتین تولرو به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر تولو به معنایی حمل کردن و اجازه دادن هم خانواده است؛ گویی کسی که تساهل میورزد باری را تحمل یا حمل میکند.

در بیانیه اصول مدارا که در طی نشست بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو مورد تصویب دولتها قرار گرفت، مدارا تحت عنوان احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ های متنوع پیرامونی و اشکال مختلف آزادی بیان تعریف شده است (Agius & Ambrosewicz, 2003).

همزیستی مسالمت آمیز، فرآیندی است که به موجب آن دو یا چند نفر یا گروه در مجاورت مکانی و نوعی رابطه متقابل که مبتنی بر کارکرد های معینی است با یکدیگر زیست می کنند (سارو خانی، ۱۳۸۰). همزیستی به معنای پذیرش عقیده مخالف و ذوب شدن در دیگران، یا کوتاه آمدن از حق و دست کشیدن از آن نیست، بلکه همزیستی یعنی هر کسی با حفظ اصول و ارزش های خود، امنیت و صلح پایدار جامعه را پاس دارد و در کنار دیگران از حقوق طبیعی خویش برخوردار باشد (رستم نژاد، ۱۳۹۰). مهمترین تاکید نظریه کنش متقابل نمادی در همزیستی گروههای قومی، جامعه پذیری و اجتماعی شدن است (Forsyth, ۲۰۱۸). تکرر گرای فرهنگی به مسئله نحوه مواجه شدن با نا همگنی مربوط میشود و ضمن تاکید بر به رسمیت شناختن کثرت و تعدد فرهنگها، مذاهب و نحله های فکری موجود در جامعه، احترام گذاردن به حقوق مخالفین در حیطه رفتارهای اجتماعی و تحمل اندیشه های متعدد همدیگر را مورد توجه قرار میدهد (Siapera, ۲۰۰۶). از طرف دیگر اگر اقلیت ها احساس کنند که فرهنگ زبان و ارزش های شان مورد تعرض دیگران است گرایش بیشتری به فرهنگ و آداب قومی در آن ها ایجاد میشود که ممکن است منجر به افراط گرایی شود. این محرومیت میتواند سبب آسیب به همزیستی و ایجاد تعارض در جامعه شود (قیم، ۱۳۸۰).



تصویر ۳: ابعاد همزیستی برگرفته از (رستم‌نژاد، ۱۳۹۰)،

Fig. 3- Aspects of coexistence

پیتر کینگ^۱ تساهل را بر حسب موضوع به چهار نوع تقسیم میکند: ۱- تساهل عقیدتی به معنی تساهل درباره وجود یا بیان یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل. ۲- تساهل سازمانی یک مرحله پیشرفته تر از تساهل عقیدتی است و به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف با عقاید عامل تساهل است. ۳- تساهل هویتی یعنی اعمال کردن تساهل در برابر ویژگیهایی که اختیاری نیست، مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه، فرهنگ و دارندگان این ویژگیها. ۴- تساهل رفتاری مانند تساهل در طرز لباس پوشیدن یا روابط اجتماعی (بهشتی و رستگار، ۲۰۱۴).

اگر بخواهیم در زمینه معماری و از لحاظ کالبدی به دنبال مفهومی مترادف با کلمه همزیستی بگردیم که به صورت علمی در مورد آن پژوهش انجام گرفته است با مفهوم "زمینه" برخورد میکنیم. هر چند معمولاً این رویکرد در زمینه‌ی طراحی در بافت تاریخی و طراحی ساختمان‌های میان افزا مطرح میشود و منظور از آن هماهنگی میان معماری قدیم با معماری جدید است، اما چون در مسئله هماهنگی سنت و مدرنیته نیز مسئله اصلی هویت و هماهنگی مطرح است. لذا با کمک اصول و نکاتی که در این زمینه مطرح شده اند میتوان به درک بهتری در از مفهوم همزیستی در طراحی معماری رسید.

"هاینر ویتزل"^۷ مسئله اصلی طراحی را جا نمایی هوشمندانه بنا در جامعه ای که موجود است میداند.

ریشه واژه "زمینه"^۸ در لاتین کلمه "Contextus" است و به معنای در هم تنیدن است. "پروتر"^۹ در معماری زمینه را اتصال و همنشینی بنا با سایر ساختمان های موجود تعریف میکند (Porter, ۲۰۰۴).

"کاپون"^{۱۰} مسئله زمینه در معماری را شامل سه بعد میداند (Capon, ۱۹۹۹):

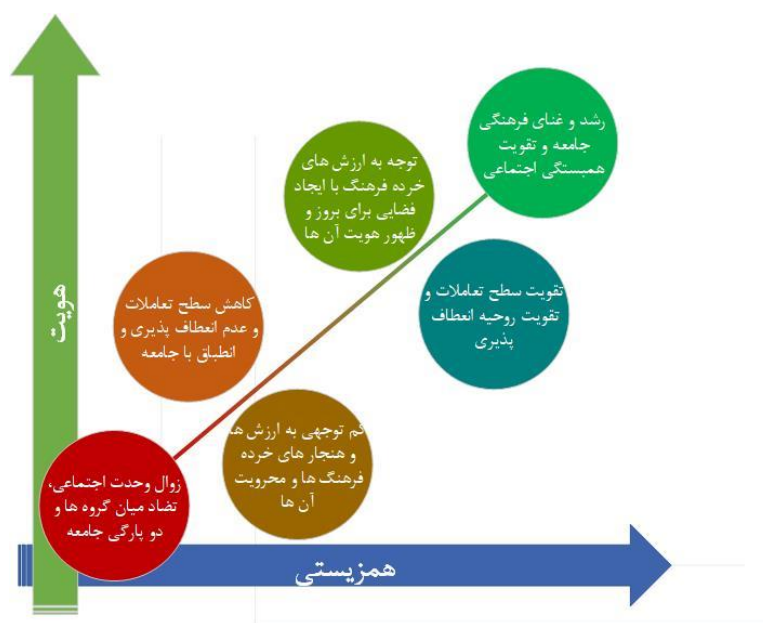
زمینه کالبدی و فرمال^{۱۱}: تصاویر و مناظر شهری و غیر شهری در ارتباط با محیط ساختمان های اطراف و بافت محلی
زمینه بصری^{۱۲}: ایجاد حس مکان
زمینه انسانی^{۱۳}: سنت های فرهنگی، مانند دیدگاه افراد درباره تزئینات و اِلمان ها

"نقوی" و "مظاهریان" با تحلیل آرا و نظرات صاحب نظران مختلف در موضوع زمینه گرایی، اصول سه گانه ای را برای رعایت زمینه گرایی تبیین میکنند که این اصول شامل موارد زیر است (نقوی & مظاهریان, ۲۰۱۹):

- ۱) رویکرد متعادل و متوازن و دوری از افراط و تفریط در شباهت به زمینه
- ۲) معاصر سازی به معنای توجه همزمان به زمینه تاریخی و زمینه معاصر
- ۳) حفظ انسجام و یکپارچگی در بعد مکان و در بعد زمان

"چیزگن"^{۱۴} اشاره میکند که در زمان حال، روابط مختلفی میان زمینه و اثر شکل گرفته اند. وی ضمن نکوهش رویکرد عدم توجه به زمینه و یا تضاد با آن و همچنین رویکرد تشابه محض و تقلید اشاره میکند که معماری با رویکرد متعادل (حد وسط میان تضاد و تشابه محض) میتواند موفق تر عمل کرده و بنای بهتری خلق کند. او میگوید در این رویکرد اثر تحت تاثیر زمینه و متناسب با آن شکل میگیرد (Çizgen, ۲۰۱۲).

بعد فیزیکی مکان، به عنوان مقر کنش های عاطفی، شناختی و رفتاری، یکی از عوامل تقویت کننده دلبستگی مکانی، به عنوان یکی از انواع پیوندهای مستحکم انسان و مکان است و با تقویت ویژگیهای کالبدی عینی و ذهنی مکان نظیر وجود فضاها، عمومی، کیفیت و امکانات این فضاها، کیفیت ساختمانها، دسترسیها، امکانات رفاهی و تفریحی، زیبایی، امنیت، آرامش و.. احتمال تقویت دلبستگی ساکنان محله به مکان به طور معنادار وجود دارد که در مجموع به تقویت "پایداری" محله خواهد انجامید (حاتمی نژاد، 2019، et al.,



تصویر ۴: دیاگرام ارتباط و کنش مفاهیم همزیستی و هویت برگرفته از (سجودی et al., ۲۰۲۴؛ قیم، ۱۳۸۰)
Fig. 4- Communication and action Diagram of the concepts of coexistence and identity

در نتیجه موارد گفته شده میتوان نتیجه گیری نمود مفاهیم همزیستی و هویت را نمیتوان به صورت جداگانه تحلیل نمود بلکه این دو مفهوم یک رابطه دو سویه دارند لذا

برای دستیابی به همزیستی بهتر در معماری مراکز اسلامی، علاوه بر هماهنگی با محیط و فرهنگ جامعه میزبان و رعایت حساسیت های اجتماعی باید به حفظ و تقویت عناصر هویتی و فرهنگی جامعه اقلیت نیز توجه نمود و صرف تشابه کامل منجر به بهبود وضعیت همزیستی نخواهد شد بلکه توجه همزمان به هماهنگی و حفظ ویژگی های هویتی است که میتواند راهگشا باشد.

۳-روش تحقیق

هدف اصلی این تحقیق رسیدن به مجموعه ای از راهکارها و اصول در معماری است که در نهایت به همزیستی بهتر این مراکز با جامعه میزبان کمک کند و همچنین هویت مراکز اسلامی به عنوان پایگاه هویتی-اجتماعی مسلمانان حفظ و تقویت شود. برای دستیابی و شناخت دیدگاه ها گروه کاربران، شناسایی نیاز ها و دغدغه ها آنها، دریافت پیشنهادات گروه کاربران در مورد طراحی، شناسایی ترجیحات بصری و سلیقه مخاطب و تحلیل آن از ابزار پرسشنامه استفاده شد.

این پرسشنامه برای افرادی طراحی گردید که افراد بالغ (۱۸+) مسلمانان ایرانی که ساکن در انگلستان بوده و تجربه استفاده از اماکن مذهبی در آن کشور را داشته باشند. برای دسترسی بهتر و صرفه جویی در هزینه های تحقیق این نظرسنجی از اینترنت با نرم افزار مبتنی بر وب صورت پذیرفت. به منظور بهینه سازی در اجرای این نظرسنجی، پس از بررسی چندین نرم افزار از "Google Form" استفاده کردید و آزمایشی از لحاظ صحت سوالات و تکنیکی صورت گرفت. در این تحقیق دو روش دعوت استفاده شد: تماس شخصی و نمونه گیری زنجیره ای (Snowball). در این پژوهش در ابتدا این پرسشنامه به افرادی که شرایط مذکور را دارا بودند ارسال گردید و از افراد مذکور درخواست گردید، افرادی که دارای شرایط مشابه هستند، جهت شرکت در این پژوهش معرفی کنند. در پایان پس از یک ماه تعداد ۷۲ نفر به پرسشنامه پاسخ داده که پس از بررسی، ۶۶ پاسخ معتبر جمع آوری شد. بنا به موضوع پژوهش از روش نمونه گیری انتخابی و

هدفمند استفاده شده است و شرایط پاسخ دهندگان، مسلمانان شیعه ساکن در "کشور انگلستان" میباشد. در این پژوهش از یک پرسشنامه شامل ۴ بخش استفاده شده است.

در بخش اول و سوم از پرسش با پاسخ بسته و از طیف ۵ بخشی لیکرت -بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، به هیچ عنوان- استفاده شده است. در بخش اول سوالات با طرح مجموعه ای از ویژگیها و صفات کالبدی مرکز اسلامی از مخاطب خواسته شده که با امتیاز دهی به این ویژگیها نظر خود را در رابطه با این صفات اظهار کند. لذا با توجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظری به بررسی دیدگاه مخاطب در رابطه با شاخص های مرتبط با همزیستی و هویت پرداخته شد. به این منظور در یک مرحله شاخصه های به صورت ویژگی های کالبدی تدوین شد تا دیدگاه های مخاطبان در این رابطه مشخص گردد.

- شاخص بودن نمای بیرونی نسبت به ساختمان های اطراف و سیمای کلی شهر
- پیروی و تشابه با معماری بومی شهر میزبان
- استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نمای بیرونی
- ارتباط و تعامل با شهر و اجتماع
- استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نمای داخلی
- دعوت کنندگی بنا
- سادگی ظاهری بنا
- شکوه و عظمت بنا

در بخش دوم تمرکز بر بعد کارکردی و عملکردی مکان است. به این منظور کاربری های شاخصی که میتواند در کنار مرکز اسلامی وجود داشته باشد مورد بررسی قرار گیرد.

در بخش سوم با توجه به اهمیت و تاثیر زیاد عناصر شاخص مسجد در هویت بخشی به مراکز اسلامی و همچنین حساسیت جامعه نسبت به برخی از این عناصر، دیدگاه مخاطب در مورد هر یک از عناصر شاخص از نظر همزیستی و هویت مورد بررسی قرار گرفت. عناصر گنبد، مناره، حیاط، حوض و وضو خانه، ایوان و رواق، محراب، تزئینات و آرایه های داخلی، تزئینات

و آرایه های خارجی، ورودی و سر در، از نظر اثرگذاری بر ۴ شاخص مورد سنجش قرار گرفته است. شاخص های مورد بررسی به ترتیب اثر عناصر بر " هویت اسلامی"، "معنویت فضا"، "تضاد و تقابل با معماری و سیمای کلی شهر"، "اهمیت وجود" می سنجد.

در بخش آخر پرسشنامه، پرسشی با پاسخ باز مطرح گردید، این پرسش به منظور آگاهی از تجربیات قبلی و ارائه ی پیشنهادات یا نکاتی که مخاطب تمایل دارد در این موضوع مطرح کند طراحی گردید.

۴- یافته ها

پرسشنامه صورت گرفته با هدف شناخت ذهنیت و دیدگاه مخاطب مسلمان در زمینه معماری مراکز اسلامی انجام شده. منابع بسیاری استفاده از تحلیل آماری بر اساس شاخص های "مد"، و "میان" در اینگونه پرسشنامه های نظرسنجی و افکار سنجی را برای تحلیل پیشنهاد داده اند و در عین حال استفاده از "میانگین" چندان توصیه نشده است. تاکید میشود که این پرسشنامه مبنایی برای شناخت و تحلیل نگاه مخاطب است و سپس با نظریات صاحب نظران تطبیق و تحلیل شده است و دستاورد تحقیق یک تحلیل تطبیقی است (Kero & Lee, 2016; Saint et al., 2022; Todd, 2011). از مجموع تعداد ۷۲ پرسشنامه ی پر شده، تعداد ۶۶ پرسشنامه معتبر و صحیح بدست آمد و مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل دادههای بدست آمده در قالب سه بخش "ویژگیها کالبدی"، "کاربری و عملکرد" و "عناصر شاخص" ارائه می گردد. داده های توصیفی سوالات باز در میان همین سه بخش تحلیل آماری، بررسی و ارائه میگردد. بر اساس مقالات مختلف در پژوهش های حجم نمونه کافی در نظرسنجی ها از ۳۰ نفر تا ۵۰۰ نفر کافی میباشد. محقق تلاش کرد تا به منظور افزایش اطمینان از اشباع نظری و کفایت نمونه، تعداد شرکت کنندگان بیش از حداقل گفته شده باشد و علی رغم محدودیت ها و مشقت های دسترسی به جوامع مسلمان خارج از کشور، تعداد شرکت کنندگان به حداکثر ممکن برسد. پرسشنامه مربوطه به روش گلوله برفی و با کمک جوامع ایرانیان ساکن انگلستان در گروه های دوستی و

در زمانی محدود تهیه شده است و دستیابی به تعداد بیشتر در محدوده زمانی تحقیق امکان پذیر نبود. با توجه به ماهیت کیفی مسئله در این پژوهش از روش های تحلیل آماری کیفی در نتیجه گیری ها استفاده شده است. آلفای کرونباخ مجموعه سوالات عدد "۰/۹۱۶" بدست آمد که با توجه به این که اگر آلفای کرونباخ مجموعه سوالات بالای ۰,۷ باشد تحقیق انجام گرفته پایایی لازم را دارد لذا تحقیق از پایایی لازم برخوردار است. در این بخش ضمن ارائه آمار بدست آمده به تحلیل و تطبیق این آمار با تحقیقات قبلی و آرا و نظرات کارشناسان در این حوزه میپردازیم و در انتهای هر بخش پرسشنامه خلاصه ای تحلیلی ارائه شده است. تحلیل های آماری بر اساس نظرات کارشناسان در پرسشنامه های لیکرت بر مبنای مد و میانه انجام میشود. (Kero & Lee, 2016; Saint et al., 2022; Watson Todd, 2018)

۴-۱- بررسی ویژگیهای کالبدی

جدول ۱: پاسخ سوالات ویژگیهای کالبدی

Tab. 1- Answers to Physical Characteristics Questions

شم اره	4-1-1	4-1-2	4-1-3	4-1-4	4-1-5	4-1-6	4-1-7	4-1-8
عنوان	شاخص بودن نمای بیرونی (در سیمای کلی شهر و نسبت به ساختمانهای اطراف)	تشابه و پیروی ظاهر از معماری شهر میزبان	استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی در نمای بیرونی	استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نما داخلی یا فضاهای داخلی	ارتباط و تعامل با محیط شهری و محله	دعوت کنندگی بنا	شکوه و عظمت بنا	سادگی ظاهری بنا
نتیجه	مد: زیاد (۴۲/۴٪) میانه: زیاد	مد: زیاد (۴۲/۴٪) میانه: زیاد	مد: زیاد (۳۹/۴٪) میانه: زیاد	مد: بسیار زیاد (۶۹/۷٪) میانه: بسیار زیاد	مد: بسیار زیاد (۴۷٪) میانه: بسیار زیاد	مد: بسیار زیاد (۴۷٪) میانه: زیاد	مد: متوسط (۳۹/۴٪) میانه: زیاد	مد: متوسط (۳۹/۴٪) میانه: زیاد

به هیچ عنوان

کم

متوسط

زیاد

بسیار زیاد

۴-۱-۱- شاخص بودن نمای بیرونی (در سیمای کلی شهر و نسبت به ساختمان های اطراف)

۷۲٪ پاسخ دهندگان با شاخص بودن نمای بیرونی و وجه هویتی مرکز اسلامی نسبت به ساختمانهای اطراف بسیار موافق بودند. لذا نمای مرکز باید کاملاً شاخص بوده تا هویت و کاربری آن از بافت اطراف مشخص باشد.

۴-۱-۲- تشابه و پیروی ظاهر از معماری شهر میزبان

۵۴٪ پاسخ دهندگان تاکید زیاد یا بسیار زیادی بر تشابه و پیروی ظاهر بنا از معماری شهر میزبان داشتند و ۳۶٪ بر میزان متوسط این تشابه تاکید داشتند و باقی کم و به هیچ عنوان را مد نظر داشتند. در نتیجه نیمی از افراد برای رعایت هویت بصری و فرهنگی زمینه و برهم زدن سیمای کلی شهر میزبان اهمیت زیادی قائل هستند. اما کمتر از نیمی دیگر میزان تشابه با شهر میزبان را متوسط و کم پیشنهاد میکردند. رعایت هماهنگی و همخوانی با زمینه و اجتناب از ایجاد ناهنجاری باعث سازگاری بهتر و ارتباط بهتر با جامعه میزبان میشود. این امر به ایجاد نگاه بهتر جامعه میزبان نسبت به جامعه مسلمان و مرکز اسلامی منجر خواهد شد و حتی به جلوگیری از احساسات اسلام ستیزانه در جامعه اروپا که اسلام را نوعی تهاجم فرهنگی میداند کمک میکند.

در مقایسه این دو شاخص که در ابتدا به نظر در تضاد با هم به نظر می آیند این نتیجه حاصل میشود که افراد علاوه بر تاکید بر شاخص بودن مرکز اسلامی و داشتن هویتی متفاوت و نشانه دار بودن، بر این نکته نیز تاکید دارند که باید از برهم زدن سیمای شهری پرهیز کرد و تلاش کرد تا بر هماهنگی و همخوانی با نمای شهری تاکید شود. موربیدونی نیز در تحقیقات خود اشاره میکند که شهروندان غیر مسلمان هم از شباهت مراکز اسلامی به سایر ساختمان ها و کلیسا ها استقبال نمیکند و ترجیح میدهند هویت مراکز اسلامی مشخص باشد (Morbidoni, ۲۰۱۳)

ارزشهای فرهنگی، خاطرات جمعی و بازشناسی مسیر موجود باشد. به صورت کلی برای رفتن به هر جایی باید اول از مقصد، در ذهن دانسته یا خاطره ای داشت، بنابراین مکان مورد نظر نه تنها باید کیفیتهای بصری داشته باشد، باید مشخص و دریافتنی هم باشد (علی دوست et al, ۱۳۹۷).

در نهایت جمع بندی نشان می‌دهد که در طراحی مراکز اسلامی باید تلاش کرد ضمن رعایت هماهنگی و استفاده از احجام و بافت مصالحی هماهنگ با زمینه و سیمای شهری در طراحی و سیمای خارجی و داخلی هویت و نشانه های بصری اسلامی را استفاده کرد. در نتیجه ضمن حفظ هماهنگی با زمینه و نداشتن تضاد، هویت مکانی مرکز اسلامی هم حفظ میشود.

۳-۱-۴- استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی در نمای بیرونی

۷۲٪ پاسخ دهندگان تاکید زیادی بر استفاده از تزئینات و عناصر معماری اسلامی در نمای بیرونی داشتند و حدود یک سوم افراد اعتقاد به استفاده متعادل از این تزئینات در نمای بیرونی داشتند.

۴-۱-۴- استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در نما داخلی یا فضاهای داخلی

۹۲٪ پاسخ دهندگان در مورد استفاده از تزئینات و عناصر اسلامی در فضای داخلی بنا اتفاق نظر کامل داشتند و لزوم استفاده از آن را بسیار زیاد و زیاد می دانستند. تزئینات و آرایه ها نحوه و میزان استفاده از تزئینات و آرایه ها که بخشی از پرداخت نهایی فضا است گاهاً به کلی هویت فضا را دگرگون میسازد.

تزئینات معماری اسلامی نقش بسزایی در بیان زیبایی‌شناسی معنوی و ارزش های فرهنگی دارد. این عناصر تزئینی، از جمله خط، نقوش هندسی، و اسلیمی، به جای تزئینات صرف، جزء لاینفک معماری اسلامی هستند (Zahra & Shahir, 2021؛ Basoeki & Wu, 2022). تزئینات اسلامی به عنوان رسانه ای برای انتقال فرهنگ، ارزش ها و هویت اسلامی عمل می کند و در عین حال نیاز انسان به زیبایی شناختی در محیط های ساخته شده را برآورده می کند (زهره، ۲۰۲۲). زیبایی شناسی معنوی این تزئینات فراتر از معانی تحت الفظی است و از طریق تعامل فضاهای داخلی بر ادراکات افراد تأثیر می گذارد و با زیبایی شناسی انسانی درگیر می شود (زهره و شهیر، ۲۰۲۲). با این وجود تزئینات معماری اسلامی در حال تکامل هستند تا ملاحظات زیست محیطی، سادگی در طراحی و فناوری مناسب را در بر گیرند (Basoeki & Wu, 2021).

همانطور که در بخش ادبیات اشاره شد مرکز اسلامی یک پایگاه هویتی برای مسلمانان تلقی میشود و هویت بصری این مراکز اهمیت زیادی دارد. تزئینات بر مخاطب و کیفیت فضا تاثیر بسیار زیادی میگذارد و در تقویت هویت و حس مکان بسیار موثر

است (ممانی et al, ۱۳۹۷). لذا توجه به استفاده از تزئینات در مراکز اسلامی بسیار مهم است. اما کار بست این عناصر در بخش های داخلی و خارجی نیازمند ملاحظات است که نیاز است تا طراح با در نظر گرفتن آن ها از تزئینات در بخش های مختلف استفاده کند.

۴-۱-۵- ارتباط و تعامل با محیط شهری و محله

۸۳,۴٪ پاسخ دهندگان بر ارتباط و تعامل زیاد و بسیار زیاد مرکز اسلامی با محیط شهری و اجتماع تاکید داشتند. در نتیجه در طراحی این مراکز باید تلاش شود تا حد ممکن تعامل و ارتباط با جامعه زیاد باشد و امکان حضور گروه های مختلف را فراهم آورد و از انحصار گرایی پرهیز شود.

۴-۱-۶- دعوت کنندگی بنا

۸۴,۹٪ پاسخ دهندگان با اتفاق نظر تقریباً کاملی اشاره کرده اند که طراحی مراکز اسلامی باید به گونه ای دعوت کننده و پذیرای حضور افراد مختلف باشد.

مراکز اسلامی در اروپا برای پاسخگویی به نیازهای نسل های جوان در حال تکامل هستند و محققان آموزه های خود را برای ارتباط دادن اسلام با واقعیت اروپایی تطبیق می دهند (Bano, 2022). "موربودینی" با توجه به تحقیقات "سندرکوک" و "بریجن" مدیران و برنامه ریزان شهری را مورد انتقاد قرار می دهد و آن ها را معمولاً کم توجه به نیاز اقلیت ها می داند و اشاره می کند و رویکرد جداسازی مراکز اسلامی از بافت شهری و سبب تشدید ناسازگاری با جامعه میداند. او اشاره می کند، دلایلی نظیر سیاست عدم مواجهه با جامعه و مشکلات ترافیکی باعث میشود مراکز اسلامی در حاشیه شهر ساخته شوند. قرارگیری مراکز اسلامی در خارج از بافت شهری و دوری از مواجهه با اجتماع هرچند امکان تراحم و تقابل را کم می کند اما نقش مسجد به عنوان یک پایگاه فرهنگی-اجتماعی را از بین می برد. و نهایتاً پیشنهاد می کند مراکز اسلامی در میان بافت های غنی فرهنگی و شهری ساخته شوند تا ضمن تأکید بر هویت جامعه مسلمانان ، مرکز اسلامی فرصتی برای پیشرفت اجتماعی-فرهنگی بخش وسیعی از شهر باشد و پایگاهی برای آشنایی شهر و جامعه اسلامی شود (Morbido, 2013; Sandercock & Bridgman, 1999).

در نتیجه باید از درون گرایی در فضاهای عمومی و نما پرهیز کرد. با توجه به نتایج این دو شاخصه طراحی مراکز اسلامی باید به گونه باشد که رویکردی اجتماعی محور و دعوت

کننده داشته باشد. پیشبینی فضا‌هایی که اجتماع پذیری را افزایش دهد و ایجاد عرصه‌های مختلف از نظر میزان ارتباط با شهر میتواند به این امر کمک کند. همچنین داشتن ویژگیهای منحصر به فرد هویتی نیز خود باعث ایجاد جذابیت میشود (Lewicka, ۲۰۰۸).

۴-۱-۷- شکوه و عظمت بنا

۳۹,۴٪ پاسخ دهندگان به طور متوسط با عظمت و شکوه بنا در سطح متوسط موافق بودند و ۵۶/۱٪ دیگر بر عظمت و شکوه زیاد یا بسیار زیاد بنا تاکید داشتند. در این زمینه کمی اختلاف نظر بین پاسخ دهندگان دیده میشود. در نتیجه در طراحی این مراکز باید دقت کرد تا شکوه و عظمت بنا حفظ شود ولی در عین حال زیاده روی در عظمت بنا نیز چندان مطلوب نمی باشد.

۴-۱-۸- سادگی ظاهری بنا

۵۱,۵٪ پاسخ دهندگان موافقت زیاد و بسیار زیادی با حفظ سادگی بنا داشتند و ۳۹/۴٪ به طور متوسط با سادگی بنا موافق بودند. در نتیجه در طراحی مراکز اسلامی باید تلاش کرد از زوائد و شلوغ کاری در طراحی پرهیز شود ولی در عین حال توجه داشت تا بیش از حد به سمت سادگی نرود. رعایت تعادل در طراحی و تزئینات الزامی است.

دین اسلام، مسلمانان را به شدت از اسراف و تجمل گرایی نهی میکند. معماری اولین مسجد اسلام یعنی مسجد پیامبر یک بنای بسیار ساده بود و پیامبر نیز بر حفظ سادگی مسجد تاکید زیادی داشت تا حدی از مسقف کردن مسجد خود نیز پرهیز میکرد. همانطور که مسجد پیامبر بر مبنای کارایی بنا شده بود (Omer, ۲۰۱۰). هرچند باید وضعیت اقتصادی-اجتماعی جامعه اسلامی در آن زمان نیز توجه داشت. در طول تاریخ این رویکرد تا حدی تغییر کرد و گسترش تمدن اسلامی تحولاتی را در ساختار مساجد ایجاد کرد که گاهاً باعث فاصله گرفتن مساجد از اصول اولیه خود شد. در زمینه عظمت و شکوه مساجد و همچنین حفظ سادگی مساجد به این مسئله توجه ویژه کرد.

۴-۲- کاربری و عملکرد

نحوه برنامه ریزی فیزیکی اثر زیادی بر هویت فضای مسجد دارد. مسجد از ابتدا تا کنون نقش اجتماعی بسیار قوی در جوامع اسلامی داشته‌اند. "عمره" میگوید معماری اسلامی، سه بعد دارد: کالبد، مفهوم و معنویت؛ نقش فرم نیز مهم است، اما فقط به عنوان مکمل و تقویت عملکرد،

زیرا نقش اصلی بنا تسهیل انجام فعالیت‌های انسانی است. معماری باید انسان محور و تقویت کننده پیشرفت معنوی فرد باشد.

در بخش دوم پرسشنامه درباره سوال مرتبط با کاربری‌های مرتبط با مرکز اسلامی، بیش از دو سوم افراد به وجود کاربری‌های کتابخانه، مرکز همایش، مدرسه در مرکز اسلامی رای دادند. بیش از نیمی از پاسخ دهندگان به وجود مرکز اقامت تاکید داشتند و حداقل یک سوم افراد به وجود سالن ورزشی و کافه-رستوران در مرکز اسلامی علاقه نشان دادند. همچنین در پاسخ‌های توصیفی، به وجود فضای بازی کودکان با نظارت والدین بدون ایجاد تداخل با مراسم‌های اصلی و برنامه‌های بزرگسالان اشاره شده است.

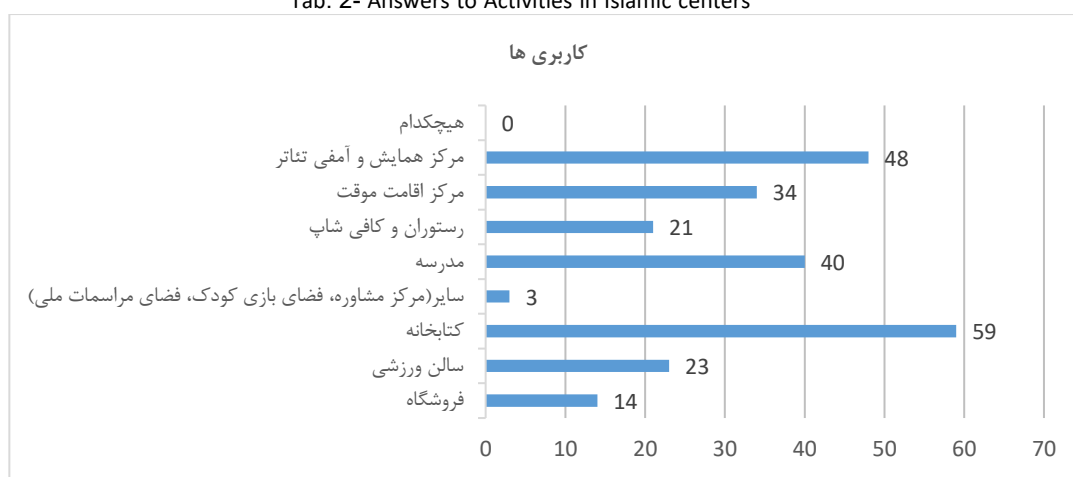
مساجد برخلاف کلیساها و کنیسه‌ها صرفاً مکانی مقدس برای عبادت نبودند بلکه مسجد از ابتدا مرکزی برای تعاملات اجتماعی و یک پایگاه اجتماعی فرهنگی بوده است. حضور کاربری‌های آمیخته با مسجد نظیر مدرسه، بازار، کاروان سرا و ... نشان دهنده عمق ارتباط مسجد با بدنه اجتماع است. مسجد محلی جدا برای عبادت نبوده و از ابتدا ارتباط نزدیکی با زندگی روزمره مردم داشته است. فلاحی در تحقیقات خود ادعا میکند که افزایش فعالیت‌ها و وجود کاربری‌ها متنوع در مسجد باعث تقویت حس مکان مسجد و احساس تعلق به آن میشود (فلاحی، ۱۳۸۴).

مساجد نقش حیاتی در جوامع مسلمان ایفا می‌کنند و نه تنها به عنوان مکان عبادت بلکه به عنوان مراکزی برای فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و فرهنگی نیز خدمت می‌کنند (SUTRIYONO, 2021; Usman, ۲۰۲۰). از نظر تاریخی، حضرت محمد مساجد را به عنوان مراکزی برای توسعه جامعه و تعالیم اسلامی تأسیس کرد (Usman, ۲۰۲۰). امروزه مساجد به عنوان نهادهای اجتماعی به عملکرد خود ادامه می‌دهند و به بهبود کیفیت مذهبی در جوامع کمک می‌کنند (SUTRIYONO, ۲۰۲۱). کتابخانه‌های مساجد به عنوان منابع آموزشی، پرورش آگاهی اطلاعاتی و رشد فکری در میان مسلمانان عمل می‌کنند (Effendi, ۲۰۲۳). نقش در حال تحول مساجد شامل فعالیت‌های اجتماعی مختلف، طرح‌های معماری و رویکردهای مدیریتی است که از سلامت روانی و معنوی حمایت می‌کند و در عین حال نیازهای اجتماعی گسترده‌تری را نیز برطرف می‌کند (Nata, ۲۰۲۱). با این حال، برخی از مساجد با تمرکز بر خدمات نماز به جای استفاده

از پتانسیل کامل خود به عنوان مراکز اجتماعی، تنزل عملکرد خود را تجربه کرده اند (Usman, ۲۰۲۰). احیای نقش های چند وجهی مساجد می تواند تأثیر آنها را بر توسعه جامعه و آموزش دینی افزایش دهد.

جدول ۲: پاسخ سوالات کاربری ها موجود در مراکز اسلامی

Tab. 2- Answers to Activities in Islamic centers



لذا میتوان نتیجه گیری نمود که وجود کاربری ها فرهنگی و آموزشی در مرکز اسلامی برای مخاطب مسلمان بیشتر از سایر کاربری ها اهمیت دارد. مدارس اسلامی آخر هفته که هدفشان آموزش اسلام و زبان مادری به کودکان مسلمان است، با مسائلی مانند معلمان ناکافی، برنامه های درسی نامناسب و محیط های آموزشی نامناسب دست و پنجه نرم می کنند (Alrasheedi & Almutawa, 2020). این امر باعث تقویت هویت مرکز اسلامی و احساس تعلق مکانی به آن میشود. وجود عملکردها و فضاهای جانبی و موجب تقویت حس مکان مسجد و احساس تعلق به آن میشود. "فوگیت"^{۱۶} در مورد نقش مراکز اسلامی و مساجد در آمریکا اشاره میکند که این مراکز بیش از آن که صرفاً یک عبادتگاه دینی و محلی برای اقامه نماز باشند، یک پایگاه اجتماعی و فرهنگی بسیار مهم برای جامعه مسلمانان هستند (Fugate, ۲۰۱۴). ساخت مساجد جدید اغلب جرقه مناقشه هایی را برمی انگیزد، به ویژه در مراحل برنامه ریزی، با درگیری هایی که بین اعضای کمیته مسجد بر سر اولویت های زیبایی شناختی و اعتراض های محله به وجود می آید (Verkaaik, ۲۰۲۰). برای پرداختن به این چالش ها، برخی اتخاذ اصول معماری اسلامی در طراحی مساجد، همسو با آموزه های قرآنی و حدیثی، برای ایجاد فضاهایی که فعالیت های مختلف اسلامی فراتر از

عبادت را در خود جای دهد و به طور بالقوه مشارکت جامعه را افزایش دهد، پیشنهاد می کنند (Firdaus et al., ۲۰۲۲). وجود چنین کاربری هایی جنبه فرهنگی مرکز اسلامی را تقویت میکند و مرکز اسلامی از یک مرکز منحصر به مسلمانان به یک مرکز فرهنگی در سطح شهر تبدیل می کند. وجود کاربری های غنی و مختلف باعث افزایش ارتباط اجتماع و محیط شهری با مرکز اسلامی میشود و حتی می تواند به ارائه تصویری بهتر و واقعی تر از جامعه مسلمان کمک کند. شرکت کنندگان در بخش چهارم پرسشنامه (پرسش باز) به حوزه عملکردی مرکز اسلامی اشاره داشتند که در ادامه به آن اشاره میشود:

انعطاف پذیری فضای معماری در شرایط مختلف و امکان استفاده از فضا برای فعالیت های متنوع، تطبیق ابعاد فضا با توجه جمعیت کاربران در مواقع مختلف، از نکاتی بود که کاربران به آن اشاره نموده بودند. "احمد"^{۱۷} اشاره میکند که مساجد سنتی وجوه بسیار منعطف و درگیر با نیاز های اجتماعی و فرهنگی دارند و مسجد پیامبر نیز همین گونه بوده است (Ahmed, ۲۰۱۹).

از دیگر نکات اشاره شده توسط کاربران، تاکید بر برابری و عدالت جنسیتی در نظام فضایی و جدا نبودن فضای زنان و مردان در محیط مرکز اسلامی بود. خان در همین زمینه اشاره کرده است که از سال ۲۰۰۳ برخی از زنان مسلمان در ایالات متحده خواستار برخورد یکسان میان زن و مرد و جدا نبودن فضای عبادت زنان از صحن اصلی مسجد در مراکز اسلامی بوده اند (Khan, ۲۰۰۸).

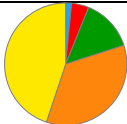
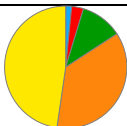
۴-۳- بررسی تاثیر عناصر معماری اسلامی

در این بخش به تحلیل تاثیر عناصر شاخص معماری اسلامی در مساجد بر مسئله هویت و همزیستی در مراکز اسلامی میپردازیم.

مناره و گنبد

جدول ۳: جدول نتایج مناره و گنبد

Tab. 3- Results table of Minaret and Dome

عنوان	مفهوم و هویت اسلامی	معنویت فضا	تضاد و تقابل با محیط شهری	اهمیت وجود
گنبد	 مد: بسیار زیاد (۴۳/۹٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۷/۹٪) میانه: زیاد	 مد: زیاد (۳۳/۳٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۳/۳٪) میانه: زیاد
مناره	 مد: بسیار زیاد (۴۸/۵٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۰/۳٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۴/۸٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۴/۸٪) میانه: زیاد

به هیچ عنوان

کم

متوسط

زیاد

بسیار زیاد

۷۸٪ پاسخ دهندگان گنبد را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند؛ ۶۲٪ میزان تاثیر گنبد بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند. همچنین بیش از ۵۶٪ افراد گنبد را در تضاد زیاد با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده اند در حالیکه حدود ۴۰٪ افراد تضاد گنبد با سیمای شهری را کم یا متوسط ارزیابی کرده اند. در نهایت ۶۵٪ افراد اهمیت وجود گنبد در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند.

با توجه به دیدگاههای مخاطبان عنصر گنبد تاثیر بسیار زیادی بر هویت بصری مرکز اسلامی دارد، همچنین تاثیر نسبتا زیادی بر معنویت فضا دارد که باز هم بر وجوه نمادگرایانه و معنایی و یا تاثیرات فرهنگی و روانشناسانه این عناصر که پیش از این به آن اشاره شد ارتباط دارد. پاسخ دهندگان اتفاق نظری در مورد تضاد گنبد با سیمای شهری نداشته اند. اکثریت افراد هم به اهمیت زیاد بکارگیری گنبد در مراکز اسلامی تاکید داشتند، همچنین در قسمت پرسش باز

نیز مخاطبان تمایل زیادی به استفاده از گنبد در مراکز اسلامی نشان داده‌اند، هرچند برخی از آنها نیز تمایلی به استفاده از گنبد نشان ندادند.

گنبد فقط یک تاج نمایشی برای بنا نیست، بلکه تاثیر اساسی بر فضای داخلی میگذارد و به همراه سایر عناصر ساختاری و تزئینی -حجم، فضا، نور، آکوستیک، مصالح، رنگ- بر ابعاد معنوی و عبادی فضا تاثیر می‌گذارد. در بعضی از موارد، حتی گنبدها به سختی از بیرون قابل رویت است که نشان اهمیت ذاتی این عنصر است (Serageldin, ۱۹۹۶). "ورکایک" تاکید میکند گنبد و سایر عناصر اسلامی علاوه بر نقش نوستالوژیک و نمایشی آن بر معنویت نمازگزاران در حین عبادت نیز تاثیر میگذارد (Verkaaik, ۲۰۱۲).

۸۳٪ افراد، مناره را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند و ۵۳٪ میزان تاثیر مناره بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند در حالیکه ۴۵٪ تاثیر معنوی مناره را متوسط یا کم می‌دانند؛ ۶۳٪ افراد مناره را در تضاد زیاد با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده‌اند و در نهایت حدود ۶۰٪ افراد اهمیت وجود مناره در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند.

مناره یکی از ویژگی‌های بارز معماری مساجد اسلامی است که از دوران اولیه اسلامی تکامل یافته و به یک عنصر اساسی تبدیل شده است (Kamal, ۲۰۲۱). صرف نظر از اختلاف نظرها در مورد منشأ و کاربرد مناره‌ها، یک مناره معمولاً نشانه‌ی وجود یک مسجد است. هرچند ممکن است اینگونه به نظر برسد که مناره در میان عناصر شاخص اسلامی کمترین کارایی را دارد، اما برای بسیاری از مسلمانان مهمترین نماد معماری اسلام است (Biondo III, ۲۰۰۶). "خالیدی"^{۱۸} با تاکید زیادی بیان میکند که به نظر او مناره و نه گنبد مهمترین عنصر معماری در طراحی مساجد است و بدون آن مراکز اسلامی به راحتی شناخته نمی‌شود (Khalidi, ۱۹۹۸). "کاها را"^{۱۹} و "فتحی" اما گنبدها را مهمترین عنصر مراکز اسلامی میدانند (Fathy, 2010; Kahera et al, ۲۰۰۹). اردلان اشاره میکند که ممکن است یک مرکز اسلامی بدون گنبد یا مناره شناخته شود اما بدون هیچ یک از این دو عنصر شناسایی آن برای غیر مسلمانان بسیار بعید است (Ardalan, ۱۹۸۰).

استفاده از مناره و گنبد موضوعی بحث برانگیز در جوامع غربی و حتی در میان خود مسلمانان است. بسیاری معتقدند بهتر است بجای ساخت مناره و گنبد هزینه آن صرف امور آموزشی و کاربردی شود. در جوامع غربی نیز حساسیت زیادی نسبت به ساخت گنبد و مناره علی الخصوص مناره وجود دارد تا حدی که همیشه یکی از مسائل مهم نحوه طراحی این دو عنصر است و حتی در برخی از کشورهای اروپایی ساخت گنبد و مناره ممنوع شده است (Biondo III, ۲۰۰۶).

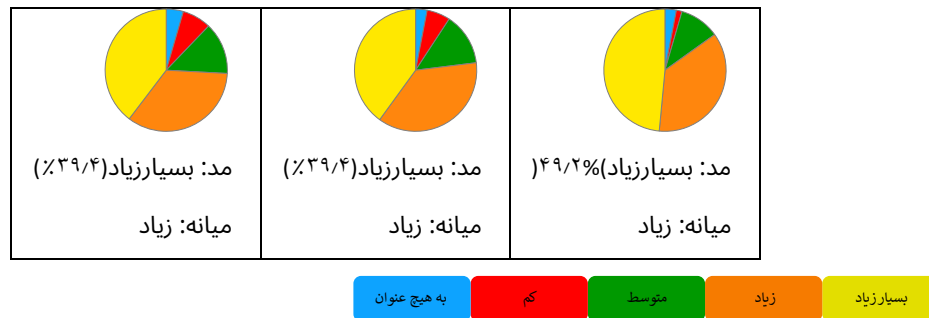
اما برخی به اهمیت هویتی و روانی این عناصر اشاره میکنند و وجود گنبد و مناره را بر تقویت حس صمیمیت فضای مراکز اسلامی بسیار اثر گذار می دانند. "راز" علت تاکید مسلمان بر گنبد را بوجود آمدن احساس داشتن یک پایگاه اجتماعی و احساس پذیرفته شدن توسط جامعه میزبان میداند (Raza, ۱۹۹۱).

در طراحی "گنبد" و "مناره" لازم است توجه ویژهای در طراحی آن ها لحاظ شود. پیامبر اسلام نیز در روایات متعددی مسلمانان را از مرتفع ساختن مناره ها و اشراف مسجد به سایر بناهای اطراف نهی کردهاند. لذا در طراحی این عناصر نسبت به رعایت نظام ارتفاعی و رعایت هماهنگی فرمی و بصری با زمینه توجه ویژه نمود. همانطور که پاسخ دهندگان نیز تاکید داشتند خلاقیت و نوآوری در بکارگیری این عناصر و الهام از طرحواره های گذشته بجای تکرار صرف آنها می تواند راهگشا باشد.

۴-۳-۱ محراب

جدول ۴: جدول نتایج محراب
Tab. 4- Results table of Mehrab

اهمیت وجود	معنویت فضا	مفهوم و هویت اسلامی
------------	------------	------------------------



حدود ۸۵٪ محراب را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند و ۷۵٪ تاثیر محراب بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند و در نهایت ۷۳٪ افراد اهمیت وجود مناره در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند.

پاسخ دهندگان محراب را مهمترین عنصر هویتی در میان سایر عناصر دانسته اند. همچنین به تاثیر بسیار زیاد این عنصر بر معنویت فضا تاکید میکنند. طراحی تمام فضاهای مسجد با توجه به محور قبله شکل میگیرد و محراب در کانون محور قبله است (نقره کار et al., n.d.). جهت قبله در اندامهای اصلی، اولین نقطه مشترک در ساختار مساجد است (حیاتی et al., ۱۳۹۸). محراب شاخص ترین عنصری است که به بعد عبادی در مراکز اسلامی اشاره دارد و نقش زیادی در هویت سازی مراکز اسلامی ایفا میکند. محراب به عنوان نشانه محور قبله وجه کارکردی مهمی در طراحی داخلی و هندسی بنا دارد. در طراحی فضای داخلی، می بایست با ایجاد یک تمرکز بصری و حذف عوامل برهم زننده تمرکز و تقویت محور قبله به برگزاری هرچه بهتر مراسمات عبادی کمک کرد.

یکی از روشهایی که در معماری اسلامی مرسوم است، تغییر جهت محور حرکتی و شکست هندسی محور مسجد به سمت قبله است که جنبه های معنوی، هویتی، روانشناسی و زیبایی شناسی داشته است (فتاحی & عمرانی پور، ۱۳۹۳؛ نقره کار، ۱۳۹۵). تاکید بر تغییر محور و جهت گیری به سمت قبله در نمای بیرونی هرچند ضرورتی عملکردی ندارد، لکن به عنوان یک راهکار فرمی با اهداف نمادگرایانه میتواند مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۵: جدول نتایج حیاط و صحن

Tab. 5- Results table of Courtyard

اهمیت وجود	تضاد و تقابل با محیط شهری	معنویت فضا	مفهوم و هویت اسلامی
 مد: متوسط (۳۳٪) میان: زیاد	 مد: متوسط (۳۳٪) میان: متوسط	 مد: متوسط و زیاد (۳۰٪) میان: زیاد	 مد: متوسط (۳۸٪) میان: زیاد



۵۴٪ افراد حیاط را نشانه قوی هویت اسلامی می دانند در حالیکه ۳۸٪ معتقدند حیاط به طور متوسط بر هویت اسلامی موثر است. ۵۹٪ میزان تاثیر حیاط و صحن بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند. از نظر اکثریت افراد حیاط نقش نسبتاً زیادی در مرکز اسلامی ایفا میکند و تاثیر متوسطی از نظر هویتی دارد ولی تاثیر معنوی آن بیشتر و نسبتاً در معنویت فضا موثر است.

"حیاط" هسته اولیه مساجد سنتی است. فضای باز یا حیاط نقشی فراتر از یک عنصر دارد و حتی در برخی روایات بر بدون سقف بودن مسجد تاکید میشود و توصیه شده تا برخی از مناسک عبادی فضای باز و زیر آسمان صورت پذیرد (سلمانی et al, ۱۳۹۴). با وجود تغییرات فراوان حیاط مرکزی جز لاینفک شالوده مسجد است (خاکپور & کاتب, ۱۳۹۶). حیاط در مراکز اسلامی نقش های مختلفی شامل نقوش عبادی، اجتماعی، معنایی- روانشناختی، اقلیمی دارد و همچنین به عنوان فضای واسط و تقسیم کننده عمل میکند (مرادی et al, ۱۳۹۷).

۶۰٪ افراد تضاد حیاط با سیمای کلی شهر را متوسط یا کم ارزیابی کرده اند؛ توسلی از "آدام متر" نقل میکند که حیاط های مساجد اسلامی به عنوان فضای عمومی شهری عمل میکند و به باز بودن درب

آن در شبانه روز اشاره میکند (توسلی & بنیادی، n.d.). "همتی" با تاکید بر نقش اجتماعی حیاط مساجد ویژگیهای زیر را برای تحقق این امر بر میشمرد: نقش ارتباطی بین گذرها، فضایی برای فعالیت اجتماعی، تعدد گروههای کاربران و فضایی عمومی برای همه مذاهب نه فرقه ای خاص، تعدد ورودی، ورودی از جهات مختلف، ارتباط با کاربری های مجاور (بازار و گذرها و بافت شهری)، داشتن کاربری های مکمل و جاذب در درون خود (مدرسه و ...)، امکان حضور در تمامی ساعات (همتی et al., ۱۳۹۲).

در نهایت حدود ۵۶٪ افراد اهمیت وجود حیاط در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند. حیاط یکی از عناصری است که در همزیستی و ارتباط بهتر مراکز اسلامی با جامعه محلی نقش اساسی ایفا کند. حیاط مراکز اسلامی باید به محلی برای تعاملات اجتماعی در سطح شهر بدل شود. این رویکرد هم نقش سنتی حیاط در مساجد را احیا میکند و هم وجه مراکز اسلامی در جوامع غربی را بهبود میبخشد. با توجه به نقش چند بعدی حیاط و به منظور جلوگیری از تداخل عملکردی میتوان عرصه های مختلفی از نظر هویتی و عملکردی تعریف شود.

۴-۳-۳ حوض و وضوخانه

جدول ۶: جدول نتایج حوض و وضوخانه

Tab. 6- Results table of Pool and Ablution Place

اهمیت وجود	معنویت فضا	مفهوم و هویت اسلامی
 مد: بسیار زیاد (۳۳/۳٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۰/۸٪) میانه: زیاد	 مد: بسیار زیاد (۳۶/۴٪) میانه: زیاد

به هیچ عنوان

کم

متوسط

زیاد

بسیار زیاد

۶۹,۷٪ حوض و محراب را نشانه قوی هویت اسلامی میدانند. همچنین ۵۴٪ تاثیر محراب بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند. در حالیکه ۴۵٪ تاثیر معنوی آن را متوسط یا کم ارزیابی کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد علاوه بر نقش عملکردی آب (وضوخانه) که لازمه امور عبادی است استفاده از آب بصورت حوض و سنگ‌آب که بیشتر جنبه نمادین و معنایی دارد. محققان پیشین نیز به تاثیر نمادین این موضوع اشاره کرده‌اند (Erzen, ۲۰۱۱; حسینی & کاملی, ۱۳۹۳; معاریان & پیرنیا, ۲۰۱۳)، در نهایت ۶۵٪ افراد اهمیت وجود حوض و وضوخانه در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند. از نظر مخاطب حوض و وضوخانه تاثیر هویتی زیادی بر فضا می‌گذارد. در نتیجه استفاده از عنصر حوض در کنار وضوخانه که بیشتر نقش عملکردی دارد می‌تواند به غنای هویتی و معنایی محیط را بیشتر کند.

۴-۳-۴ آرایه ها و تزئینات در فضاهای داخلی و فضاهای خارجی

جدول ۷: جدول نتایج آرایه ها و تزئینات داخلی و خارجی

Tab. 7- Results table of the element of decorations in indoor and outdoor spaces

عنوان	مفهوم و هویت اسلامی	معنویت فضا	تضاد و تقابل با محیط شهری	اهمیت وجود
آرایه-ها و تزئینات در فضاهای داخلی	مد: زیاد (۳۷/۹٪) میانه: زیاد کم: بسیار	مد: بسیار زیاد (۴۸/۵٪) میانه: زیاد و بسیار زیاد کم: بسیار زیاد	-	مد: زیاد (۳۹/۴٪) میانه: زیاد کم: بسیار زیاد
تزئینات و آرایه های خارجی	مد: زیاد (۳۴/۸٪) میانه: زیاد کم: بسیار زیاد	مد: متوسط (۳۳/۸٪) میانه: زیاد کم: بسیار زیاد	مد: متوسط (۳۷/۹٪) میانه: متوسط کم: بسیار زیاد	مد: متوسط (۳۶/۴٪) میانه: زیاد کم: بسیار زیاد

به هیچ عنوان

کم

متوسط

زیاد

بسیار زیاد

حدود ۷۵٪ آرایه ها و تزئینات داخلی را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند و ۷۹٪ تاثیر آرایه ها داخلی را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند، حدود ۶۳٪ آرایه ها و تزئینات خارجی را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند و ۵۱٪ تاثیر آرایه های خارجی را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند در حالیکه ۴۵٪ تاثیر آن را متوسط یا کم میدانند. تزئینات میتواند بار معنایی و نمادین بیشتری نسبت به سایر عناصر به انسان منتقل کند (ندیمی، ۱۳۷۸). تزئینات به سبب وجوه معنایی و نمادین میتواند بر ذهنیت افراد تاثیر مثبت گذاشته و احساس معنویت بیشتری به فضا دهد (Burckhardt, ۲۰۰۹). هرچند معنویت یک امر درونی و شخصی است که به مسئله ارتباط روحی با مسائل الهی ارتباط دارد ولی کالبد مکان نیز تا حدی می تواند زمینه را برای این حالت روحی فراهم کند یا آن را برهم بزند (ارجمندی et al, ۱۳۹۰). نقوش انتزاعی و هندسی در معماری اسلامی صرفا جنبه زیبایی شناسانه ندارند بلکه حاوی پیام های استعاری است (Hillenbrand, ۱۹۹۴). نجیب اوغلو به پیوند بسیار عمیق نقوش اسلامی با عقاید و تمایلات فرهنگی اشاره میکند (Necipoglu & al-Asad, ۱۹۹۶).

همچنین ۵۶٪ افراد معتقدند تضاد آرایه های خارجی با سیمای شهری متوسط یا کم است در حالیکه ۴۴٪ این تضاد را زیاد ارزیابی کرده اند. در نهایت ۷۳٪ افراد اهمیت وجود آرایه ها داخلی در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند و ۵۳٪ افراد اهمیت وجود آرایه ها خارجی در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد دانسته در حالیکه ۴۷٪ اهمیت آن را متوسط یا کم میدانند.

از نظر پاسخ دهندگان به طور کلی اهمیت و تاثیر معنوی و هویتی آرایه ها و تزئینات بخصوص در فضاهای داخلی بسیار زیاد است ولی تزئینات در فضاهای خارجی به طور کلی در همه شاخص ها اهمیت کمتری نسبت دارد. این امر در بخش اول سوالات هم مشاهده میشود. همانطور که بلر میگوید منحصر به فرد ترین ویژگی در معماری مسلمانان، تمرکز بر دکوراسیون داخلی است برخلاف نمای خارجی آن که معمولا کم تزئین است (Blair & Bloom, ۲۰۰۳). لذا استفاده از تزئینات در نمای بیرونی باید کمتر باشد.

تزئینات اسلامی نقش مهمی در ارتقای ارزش زیبایی شناختی و معنوی معماری اسلامی دارد. به عنوان وسیله ای برای بیان فرهنگ، ارزش ها و هویت اسلامی عمل می کند (زهره و شهیر، ۲۰۲۲؛ زهره، ۲۰۲۲). تزئینات، از جمله نقوش هندسی، نقوش گل و خط، به سازماندهی و خوانایی فرم های معماری کمک می کند (حمدی و الاسدی، ۲۰۲۳). این عناصر تزئینی صرفاً اضافات سطحی نیستند، بلکه بخش های جدایی ناپذیر فضای داخلی هستند که با زیبایی شناسی انسان درگیر هستند و نیازهای روان شناختی زیبایی را برآورده می کنند (زهره و شهیر، ۲۰۲۲؛ زهره، ۲۰۲۲). تزئینات اسلامی ارزش های زیبایی شناختی ثابتی را در دوره های زمانی مختلف حفظ کرده است و به هویت پایدار معماری اسلامی کمک می کند (حمدی و الاسدی، ۲۰۲۳). در قرن بیست و یکم، تأکید فزاینده ای بر طرح های سازگار با محیط زیست و فناوری مناسب در تزئینات معماری اسلامی وجود دارد (Basoeki & Mingchang، ۲۰۲۱). درک کیفیات زیبایی شناختی و مذهبی تزئینات اسلامی برای هنرمندان و محققان در درک هنر اسلامی ارزشمند است (زهره و شهیر، ۲۰۲۲؛ زهره، ۲۰۲۲).

در مورد استفاده از تزئینات در مساجد اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد به طور مثال برخی به مسجد پیامبر اشاره میکنند که کالبد بسیار ساده داشته و نقش عملکردی در آن بسیار قالب بوده است و با توجه به اینکه دین اسلام، مسلمانان را از کارهای زاید و بی هدف به شدت نهی می کند، پیامبر نیز مسلمانان را به شدت از تزئین و زیور گونه ساختن مساجد نهی می کرده است (Omer، ۲۰۱۰؛ منان رئیسی & نقره کار، ۱۳۹۳).

با این وجود وجوه منفی استفاده افراطی از تزئینات در معماری نظیر بیهودگی، اسراف، تجمل گرایی تزئینات میتواند تاثیرات مثبتی بر حالت روحی افراد بگذارد و کارکردهای معنوی، آموزشی، اجتماعی یا روانشناختی داشته باشند (Kassim et al، ۲۰۱۴). در استفاده از تزئینات باید برخی از فضاها نظیر محراب کم تزئین بماند زیرا ممکن است باعث حواس پرتی نماز گزاران شود (Omer، ۲۰۰۹) و در استفاده از ترکیب رنگهای خیره کننده در صحن اصلی عبادت پرهیز نمود

(Norzalifa, ۲۰۰۳). همچنین دقت به میزان هزینه برای تزیینات بسیار مهم است تا تجمل گرایی و اسراف

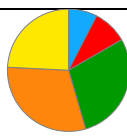
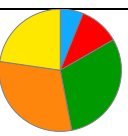
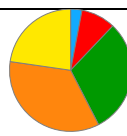
تلقى نشود (Othman & Ahmad, ۲۰۱۱).

تزیینات را نمیتوان از مسجد جدا کرد زیرا طی قرن‌ها به بخشی از وجود و هویت مسجد تبدیل شده است و تاکید میکند تزیینات در اسلام ممنوع نیست ولی باید در استفاده از تزیینات به تاثیرات مثبت و منفی، توأمان توجه کرد (Kassim et al, ۲۰۱۴).

۴-۳-۵ ورودی و سردر

جدول ۸: جدول نتایج ورودی و سردر

Tab. 8- Results table of Entrance

اهمیت وجود	تضاد و تقابل با محیط شهری	معنویت فضا	مفهوم و هویت اسلامی
 مد: زیاد (۳۰٪) میانه: زیاد	 مد: متوسط (۳۱٪) میانه: متوسط	 مد: زیاد و متوسط (۳۰٪) میانه: زیاد	 مد: زیاد (۳۴٪) میانه: زیاد



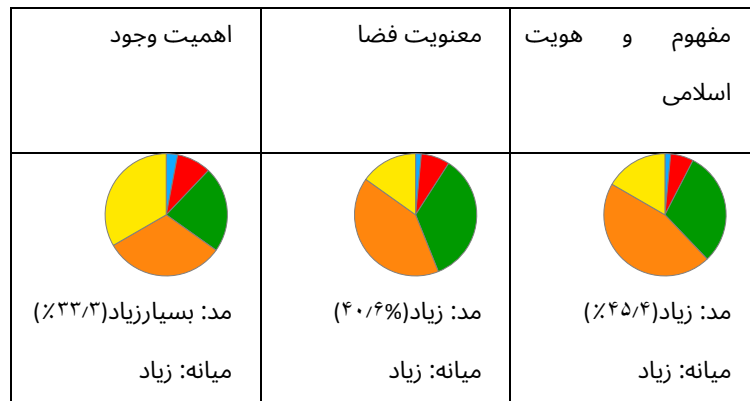
۵۸٪ ورودی و سردر را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند. ۵۳٪ میزان تاثیر ورودی بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند در حالیکه ۴۷٪ تاثیر آن را متوسط یا کم ارزیابی کرده اند. همچنین بیش از ۶۱٪ افراد ورودی و سردر را در تضاد متوسط یا کمی با سیمای کلی شهر و محله ارزیابی کرده‌اند. و در نهایت ۵۵٪ افراد اهمیت سردر و ورودی در مراکز اسلامی را زیاد یا بسیار زیاد میدانند.

ورودی نقطه "جدایی و پیوند" است (Von Meiss, ۲۰۱۳). ورودی مرز و رابط فضای شهری با فضای داخلی بناست. در مراکز اسلامی با توجه به پیچیدگی مسئله ارتباط درون و بیرون دو چندان است. عنصر ورودی به عنوان رابط برون و درون مهمترین نقطه ارتباط بین سه عامل "کارایی،

فرم و معنا" است و تاثیر زیادی بر وجه معنایی و انتقال معنایی و حسی بنا دارد (محبوبی et al, ۱۳۹۵). ورودی در مراکز اسلامی صرفاً یک محل گذر یا یک عنصر تزئینی مثل سردر نیست بلکه باید به عنوان یک فضای انتقالی طراحی شود. ورودی عملکردهای متعددی از جمله راهنمایی کاربران، حفظ حریم خصوصی و بازتاب ویژگی معماری ساختمان را انجام می دهد (Alarmouty & Hammad, ۲۰۲۰). طراحی ورودی‌های مسجد می‌تواند متفاوت باشد، برخی از آنها دارای ورودی‌های غیرمستقیم برای آماده‌سازی معنوی افراد هستند (Edrisi Khosroshahi, ۲۰۲۰). طراحی ورودی به صورت فضایی برای ارتباط و انتقال طراحی شود، نه یک نقطه ورود در یک سطح دو بعدی. توجه به این نکته باعث تقویت ارتباط شهر با بنا و همزیستی بهتر با آن زمینه میشود.

توجه به طراحی سلسله مراتبی همانطور که در معماری اسلامی هم دیده میشود (محبوبی et al, ۱۳۹۵; میرشاه زاده et al, ۱۳۹۰). در نحوه ورود به مراکز اسلامی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در ارتباط با سلسله مراتب فضایی باید در طراحی قسمت های جدیدتر این مهم در نظر گرفته شود که با تعریف فضاهای حرکت، توقف و استراحت از یک سو، و در نظر گرفتن فضاهای عمومی و خصوصی با سلسله مراتب دستیابی از خیابان اصلی به کوچه های فرعی و توجه به عرض گذرها موجبات تعاملات اجتماعی و وجود سلسله مراتب فضایی را فراهم ساخت.

ایجاد لایه ها و عرصه های مختلف از نظر ارتباط با شهر و همچنین توجه به تغییر هویتی و عملکردی میان این عرصه ها از راهکارهایی است که میتواند مورد استفاده قرار گیرد تا به کارایی بهتر ورودی در انتقال هویتی فضایی و در نهایت سازگاری بهتر مراکز اسلامی با شهر کمک کند (علی دوست et al, ۱۳۹۷).



حدود ۶۲٪ ایوان و رواق را نشانه بسیار قوی هویت اسلامی میدانند و ۵۶٪ تاثیر ایوان و رواق را بر معنویت فضا را زیاد یا بسیار زیاد دانسته اند و در نهایت ۵۳٪ افراد اهمیت وجود ایوان در مراکز اسلامی را متوسط یا کم میدانند در حالیکه ۴۷٪ اهمیت آن را زیاد و بسیار زیاد میدانند. اکثریت افراد تاثیر هویتی و معنوی ایوان و رواق را زیاد ارزیابی کرده اند هرچند اکثریت اهمیت کلی وجود ایوان و رواق را متوسط ارزیابی میکنند ولی مجموعاً اتفاق نظر کاملی در این مورد وجود ندارد.

با توجه به تحقیقات پیشین در مورد این عناصر ایوان و رواق به واسطه چند عملکردی بودن و انعطاف کارایی، تقویت سلسله مراتب فضایی و دعوت کنندگی بنا کمک کند (خان محمدی et al, ۱۳۹۵; کیایی et al, ۱۳۹۶; محمودی, ۱۳۸۴). در کنار این موارد افرادی نظیر اردلان برای ایوان معانی نمادینی نیز قائل هستند که توجه آن نیز ضروری است (Ardalan et al, ۱۹۷۳). استفاده از عناصر میانی نظیر ایوان و رواق در مراکز اسلامی میتواند به تقویت سلسله مراتب فضایی و انعطاف عملکردی فضا کمک میکند. عناصری مانند ایوان - یک تالار طاقدار باز به یک حیاط - به اهمیت معنوی و عملکردی مساجد کمک می کند. (Othman, 2023).

در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش راهکارهایی پیشنهاد می گردد که رعایت آن می تواند در بهبود طراحی مراکز اسلامی موثر باشد و سبب بهبود ارتباط مراکز اسلامی با جامعه میزبان در عین حفظ هویت شود. این اصول در سه محور و دو شاخصه تبیین و تعریف میگردد. محور اول، ویژگی های کیفی و معنایی فضا، محور دوم، کالبد و زبان تصویری ، محور سوم، نقش عملکردی، کارایی و اجتماعی و شاخصه های هویت و همزیستی.

۴-۱ محور اول: ویژگی های کیفی و معنایی فضا

در محور اول به ارائه اصولی جهت بهبود هویت و همزیستی در حوزه بعد معنایی و کیفیت فضایی میپردازد.

جدول ۱۰: جدول اصول طراحی در محور ویژگی های کیفی و معنایی فضا

Tab. 10- Table of design principles based on the qualitative and semantic characteristics of the space

هویت	همزیستی
استفاده موثر از عناصر و آرایه ها که تداعی معنا میکند. (براساس نتایج و تحلیل بخش های ۵-۱-۳، ۵-۱-۵، ۴-۱-۵، ۵-۳-۵)	تاکید بر دعوت کنندگی و روحیه دوستانه در طراحی مرکز اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش های ۵-۱-۵، ۵-۱-۶)
توجه به نمادگرایی در طراحی بنا (براساس نتایج و تحلیل مجموعه ی بخش ۳-۵)	طراحی بر اساس مفاهیم مدار و انعطاف پذیری در فرهنگ اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش های ۵-۱-۵، ۵-۱-۶، ۱-۱-۵)
توجه و تاکید بر اصول معنایی و محتوایی اسلام بجای افراط در استفاده از تزئینات (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۸)	تاکید بر محتوا و عملکرد بجای تقلیل فرهنگ اسلامی به فرم و تزئین (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۸)
تاکید بر مرکز اسلامی به عنوان پایگاه هویتی مسلمانان (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۱)	طراحی با توجه بر ایجاد ظرفیت حضور گروه ها مختلف سنی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۲)
استفاده از تزئینات کلامی (آیات قرآن) با توجه به بار معنایی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۳-۵)	تاکید بر ظرفیت فرهنگی و مخاطب قرار دادن کل جامعه (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۵)

حفظ شخصیت اسلامی و مشخص بودن کاربری بنا در شهر (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۱)	طراحی مرکز اسلامی به عنوان فضایی برای گفتگو و شناخت فرهنگی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۸)
--	--

۴-۲ محور دوم: فرم و زبان بصری

در محور دوم به ارائه اصولی جهت بهبود هویت و همزیستی در کالبد، فرم، مصالح، هندسه و عناصر شاخص میپردازد.

جدول ۱۱: جدول اصول طراحی فرم و زبان بصری

Table 11: Table of design principles of Form design and visual language

هویت	همزیستی
طراحی با توجه به نظام هندسی معماری اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۳-۲)	رعایت نظام ارتفاعی و خط آسمان شهر (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۷،)
استفاده خلاقانه از عناصر معماری اسلامی نظیر گنبد و مناره با در نظر گرفتن ویژگی های بصری شهر میزبان به جای تکرار صرف فرم های بصری (براساس نتایج و تحلیل مجموعه بخش ۵-۳-۱)	رعایت هندسه و خطوط غالب بافت شهری (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۲)

استفاده و الهام از فرم های سنتی و خاطره ساز (براساس نتایج و تحلیل مجموعه بخش ۳-۵، ۴-۱-۵، ۳-۱-۵)	رعایت هویت بصری سیمای شهر در نما سازی جداره های خیابان (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۵، ۴-۳-۵)
ایجاد عرصه های غنی از نظر تاثیر ویژگی های هویت اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۱-۵، ۲-۱-۵، ۳-۱-۵، ۵-۱-۴)	استفاده از مصالح بومی شهر میزبان (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۵)
تاکید بر محور قبله در هندسه و فرم مرکز اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۳-۵)	استفاده از المان ها و ویژگی های بصری شهر میزبان (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۵)
استفاده از تزئینات اسلامی در جهت حفظ زبان بصری معماری اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۳-۱-۵، ۴-۱-۵، ۵-۳-۵)	ایجاد عرصه هایی که از نظر ویژگی های بصری تلفیقی از هویت اسلامی و هویت بومی باشد (براساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۱-۵، ۲-۱-۵، ۳-۱-۵، ۴-۱-۵)
گسترش پذیری و بخش پذیری فضایی و انعطاف عملکردی فضاها	استفاده ترکیبی از المان های کشور های میزبان و تمدن اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۱-۵)
توجه به ارتفاع، حجم و نحوه پرداخت "گنبد" و "مناره" با رعایت نظام ارتفاعی و بصری زمینه (براساس نتایج و تحلیل بخش ۱-۳-۵)	

۴-۳ محور سوم: فعالیت ها، عملکرد، و نقش اجتماعی

در محور سوم به ارائه ی اصول طراحی در جهت بهبود هویت و همزیستی در فعالیت ها، عملکرد، کاربری و نقش اجتماعی مراکز اسلامی می پردازد.

جدول ۱۲: جدول اصول طراحی در محور فعالیت ها، عملکرد، و نقش اجتماعی

Tab. 12- Table of design principles on Activities, Function, and Social Impact

هویت	همزیستی
قرارگیری مرکز عبادی در قلب مرکز اسلامی به عنوان مهمترین کاربری سایت (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۳-۲)	بستر سازی برای افزایش حضور گروه های مختلف اجتماعی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۵، ۷-۱-۵، ۵-۳-۲)

اختصاص فضا هایی برای برگزاری گردهمایی های اجتماعی گروه های مسلمان (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵، ۳-۳)	اختصاص فضایی برای برگزاری بازارچه های فرهنگی به منظور آشنایی بهتر شهروندان با فرهنگ جامعه مسلمان
اختصاص فضاهای آموزشی برای گروه های کودک و نوجوان مختلف به منظور حفظ و تقویت فرهنگ و آموزه های اسلامی (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵)	امکان برگزاری فستیوال ها و برنامه های شهری در مرکز به منظور درهم تنیدگی بیشتر با بافت اجتماعی شهر (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۵، ۷-۱-۵، ۲-۵، ۳-۳-۵)
اختصاص فضایی به اندیشکده برای گروه های دانشگاهی به منظور انجام تحقیقات و تبیین فرهنگ اسلامی و ایجاد فضای گفتگو و مباحثه (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵)	پیش بینی کاربری های متنوع که شهروندان غیر مسلمان هم امکان استفاده از آن را داشته باشند نظیر رستوران و کافه های حلال که سبب آشنایی جامعه میزبان با فرهنگ و تمدن اقوام مسلمان و احساس ارتباط و پیوند بیشتر شهروندان با جامعه مسلمان میشود. (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۵، ۷-۱-۵، ۲-۵، ۳-۳-۵)
اختصاص بخشی به عنوان مرکز کنفرانس های بین المللی جهت برگزاری همایش در سطح جهان اسلام (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵)	تامین پارکینگ که موجب عملکرد بهتر و جلوگیری از مزاحمت های شهری است (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵)
اختصاص فضاهایی برای رفع نیاز های شهروندان مسلمان (فضاهای ورزشی، فروشگاه حلال، رستوران) (براساس نتایج و تحلیل بخش ۲-۵)	همخوانی کاربری هر جبهه با کاربری های همجوار آن (براساس نتایج و تحلیل بخش ۵-۱-۵)

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده تا ضمن بهره گیری از دیدگاه های مخاطب و بررسی نظریات صاحب نظران در این زمینه به و انجام یک تحلیل جامع و تطبیقی به یک چارچوب نظری دست یابیم و سپس راهکار های عملی در مسئله طراحی ارایه شود تا راهنمایی برای طراحان و معماران و تصمیم گیران در ساخت و طراحی مراکز اسلامی باشد.

طراحان و دست اندرکاران مراکز اسلامی بایستی تلاش کنند تا از رویکردهای انحصار گرایانه و جذمی نسبت به هویت اسلامی پرهیز شود. استمرار هویت اسلامی به معنی تکرار عین به عین اجزا و اشکال نیست بلکه شناخت اصول ساختاری هویت اسلامی است، هرچند تکرار مصداقی بعضی از عناصر گاهی گریز ناپذیر است، اما هویت اسلامی نباید به فرم گرایی تقلیل یابد و توجه به مبانی دیدگاه اسلام اهمیت بیشتری دارد.

شناخت جامع از ارزش ها و حساسیتهای اکثریت و اقلیت در کنار هم و پذیرش تفاوتها منجر به یافتن راهکارهای بهتر برای همزیستی خواهد شد. توجه نکردن به دیدگاههای مخاطب، شناخت ناقص و رویکردهای یک جانبه در طراحی مراکز اسلامی بجای رفع نیاز های اصلی مخاطبان، سبب فروکاهش موضوع به مسئله ای سلیقه ای و افزایش رویکردهای رادیکال و واکنشی خواهد شد؛ نظیر آنچه تاکنون در بسیاری از مراکز اسلامی رخ داده است.

فراهم آوردن فرصت حفظ نمادهای و ارزش های اسلامی در کنار نمادهای ملی کشور میزبان، احساس محرومیت را از اقلیت مسلمانان دور میکند و سبب نزدیکتر شدن جامعه مسلمان به فرهنگ ملی و کاهش تنش فرهنگی با جامعه میزبان میشود. تلاش برای یافتن و استفاده از اِلَمان ها و ارزشهای مشترک، هماهنگی با بافت و سیمای شهری ضمن حفظ هویت اسلامی، تقویت رویکرد اجتماعی مراکز اسلامی و ایجاد ارتباط مستقیم با شهر و سایر شهروندان سبب میشود تا جامعه میزبان بتواند ارتباط بهتری با مرکز اسلامی برقرار کند و مرکز اسلامی را به عنوان یک مرکز فرهنگی و نه صرفاً یک مرکز دینی که متعلق به مسلمانان است در نظر گیرند. در نتیجه شهروندان غیر مسلمان نیز فرصت برخوردی نزدیکتر و واقعی تر از جامعه مسلمان پیدا می کنند؛ این امر نهایتاً موجب تقویت هویت اسلامی و همزیستی فرهنگی بهتر با جوامع میزبان خواهد شد.

تحقیقات آینده

این تحقیقات فقط به بررسی دیدگاههای مسلمانان ساکن انگلستان به مسئله همزیستی و حفظ هویت در مراکز اسلامی پرداخت و پیشنهاد میشود تا تحقیقات دیگری با تمرکز بر دیدگاه های کشور های دیگر و یا جامعه میزبان غیرمسلمان در همین موارد انجام گردد تا به شناخت کاملتری از دیدگاهها و نیاز های جامعه میزبان نیز دست یافت.

پی نوشت

Formal Context ¹¹	Proshansky ¹
Visual Context ¹²	Schulz ²
Huaman Context ¹³	Steyn ³
Çizgen ¹⁴	Cullen ^۴
Omer ¹⁵	Tolerance ^۵
Fugate ¹⁶	Peter King ⁶
Ahmed ¹⁷	Heinz Wetzel ⁷
Khalidi ¹⁸	Context ⁸
Kahera ¹⁹	Porter ⁹
Raza ²⁰	Capon ¹⁰

منابع

ارجمندی، ه.، میرلو، م.، & اسدزاده، س. (۱۳۹۰). نور و رنگ: تأثیرات معنوی و روانشناختی نور و رنگ خانه های سنتی ایرانی بر ساکنان. اطلاعات حکمت و معرفت، ۶۹(۶)، ۲۵-۳۰.

الگ‌گرابار، & طه‌وری، ن. (۱۳۸۶). روش: نماد و نشانه در تفسیر معماری اسلامی. گلستان هنر، ۹(۳)، ۱۳-۲۵.

بهشتی، س.، & رستگار، ی. (۲۰۱۴). تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. ۴(۲)، ۳۵-۷.

تقدیر، س. (۱۳۹۶). تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۵(۱) (پیاپی ۱۴)، 48-67. SID# (p0014).

توسلی، م.، & بنیادی، ن. (۱۳۹۳). طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهر.

حاتمی نژاد، ح.، پوراحمد، ا.، زیاری، ک. ا.، حبیبیان، ب. (۲۰۱۹). بررسی تأثیر مولفه های کالبدی بر دلبستگی مکانی در راستای تحقق محله پایدار، مطالعه موردی: شهر اهواز. معماری و شهرسازی پایدار، ۶(۲)، ۶۵-۸۳. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2019.9889>

حجتی، س.، & سلمان، ب. (۱۳۸۵). همزیستی ادیان توحیدی از دیدگاه قرآن و روایات. پژوهش دینی، ۱۳(۱)، ۲۹-۴۹. SID.

حسینی، س.، & کاملی، م. (۱۳۹۳). تأثیر عناصر کالبدی معماری مساجد سنتی و مدرن ایران بر ذهن کودکان. پژوهش های معماری اسلامی، ۲(۱)، ۱۴۷-۱۶۰.

حمزه نژاد، م.، & عربی، م. (۱۳۹۳). بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر؛ مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۵(۱)، ۴۲-۶۱. SID.

حیاتی، ح.، فاخری رئوف، م.، & کاروانی، ب. (۱۳۹۸). نقش قبله در جهت گیری مساجد سنتی شهر دزفول. باغ نظر، ۱۶(۷۰)، ۴۹-۶۰. SID.

خاکپور، م.، & کاتب، ف. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی معماری دینی در مسیحیت و اسلام با نقد نظریات تیتوس بورکهارت (مطالعه موردی: اصفهان). باغ نظر، ۱۴(۵۰)، ۵۷-۷۰.

خان محمدی، م.، عظیمی، س.، رحمانیانی، ی.، & حسینی، م. (۱۳۹۵). مطالعه کمی و کیفی نقش ایوان در خانه های سنتی و احیاء آن در کالبد ترانس (مطالعه موردی: آپارتمان های میان مرتبه شهر تهران). هویت شهر، ۱۰(۲۶)، ۳۱-۳۲. SID.

دانشمند، س.، & نقرمکار، ع. (۱۳۹۲). چگونگی طراحی ورودی بنا با توجه به اصول شکل گیری معماری آستانگی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۱(۳)، ۷۹-۹۰.

دوستی مطلق، پ. (۱۳۸۸). بررسی تاریخچه ورودی. معماری و شهرسازی آرمان-شهر، ۲(۲)، ۹۱-۱۰۴.

رستم نژاد، م. (۱۳۹۰). اصول حاکم بر گفت و گو و همزیستی با پیروان ادیان—با تأکید بر قرآن کریم—. پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۳۶(۱۰)، ۱۷-۳۲.

رضایی نیا، ع. (۱۳۹۶). صورت ایوان در معماری ایرانی، از آغاز تا سده های نخستین اسلامی. مطالعات معماری ایران، ۶(۱۱)، ۱۲۵-۱۴۴. SID.

زرگر، ا.، ندیمی، ح.، & مختارشاهی، ر. (n.d). راهنمای معماری مساجد.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۰). دایره المعارف علوم اجتماعی (جلد ۲).

سالمی، م.، همزه ای، م.، & میرک زاده، ع. ا. (۲۰۱۱). سنجش پایداری اجتماعی زنان روستایی شهرستان سنقر. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۹(۱)، ۵۵-۷۶.
<https://doi.org/10.22051/jwsps>, ۱۳۹۱, ۲۰۱۱

سجودی، ع.، نیازی، م.، & نقی پور ایوکی، س. (۲۰۲۴). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی در ایران (با تاکید بر متغیر تعدیل گر گروه سنی). دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۳۱(۱)، ۲۰۹-۲۳۶. <https://doi.org/10.30497/rc>, ۱۷۳۸, ۲۳۹۹۷۴, ۲۰۲۳

سلطان راده، ح. (n.d). فضاها و ورودی در معماری سنتی ایران.

سلمانی، ا.، رحیمی، م.، & خاک زند، م. (۱۳۹۴). بررسی اهمیت، اولویت و اصالت فضای باز در مسجد. پژوهش های معماری اسلامی، ۳(۴ (پیاپی ۹))، ۳۴-۴۹. SID.

طاهرطلوع دل، م.، مهدی نژاد، ج. ا.، & صادقی حبیب آباد، ع. (۱۳۹۵). بازشناسی مانایی ماهیت انگاره های قدسی در معماری اصیل اسلامی ایران مبتنی بر شناسایی هویت پایدار کالبد مساجد جامع ایرانی. معماری و شهرسازی پایدار، ۴(۲)، ۱۷-۳۰. SID.

طایفه، ا.، حجت، ع.، & انصاری، ح. (۱۳۹۴). تعریف و تدوین دستگاه واکاوی فرم معماری مبتنی بر تحلیل و بازاندیشی دستگاه نقد. مطالعات معماری ایران، ۴(۸)، ۷۳-۸۸. SID.

علی دوست، ر. س.، کریمی آذری، ا.، & پرویزی، ر. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه های هویت و مکان در بافتهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه، با هدف دستیابی به اصول طراحی بافتهای جدید شهری نمونه موردی: محله ساغریسازان رشت. معماری و شهرسازی پایدار، ۶، ۳۹-۶۰. SID.

فتاحی، ش. ا. & عمرانی پور، ع. (۱۳۹۳). تحلیل نقش محور قیله در سازماندهی فضایی مساجد معاصر شهر ایلام.

پژوهش های معماری اسلامی، ۱(۲)، ۹۵-۱۱۱. SID.

فلاحی، م. (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. هنرهای زیبا، ۲(۲)، ۳۵-۴۲. SID.

قیم، ع. (۱۳۸۰). ایرانشناسی: نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان. مطالعات ملی،

۷(۲)، ۱۸۵-۲۲۶.

کیایی، م. پیوسته گر، ی. & حیدری، ع. ا. (۱۳۹۶). جایگاه پایه ای ایوان در ارتقاء راندمان عملکردی در

مساجد. پژوهش های معماری اسلامی، ۵(۱)، ۶۸-۸۳. SID.

محبوبی، ق.، مختابادامرئی، م. & عطارعباسی، م. (۱۳۹۵). باز شناخت هستمندی همزیستی درون و بیرون

معماری مساجد ایران (با تاکید بر روش فازی). کیمیای هنر، ۲۱(۵)، ۵۷-۷۵.

محمودی، ع. (۱۳۸۴). بازنگری اهمیت ایوان در خانه های سنتی (با نگاه ویژه به بم). هنرهای زیبا، ۲(۲)، ۵۳-۶۲.

SID.

مرادی نسب، ح.، بمانیان، م. & اعتصام، ا. (۱۳۹۷). نقش کیفی هندسه در پایایی شکلی هندسی حیاط مرکزی

مساجد ایران. اندیشه معماری، ۲(۴)، ۵۳-۶۲. SID.

مظفر، ف.، ندیمی، ه. & صالحی، ا. (۱۳۹۵). هویت مکان های تاریخی در بستر تغییر؛ تحقیق در مبنای نظری

مواجهه هویت مکان های تاریخی با تغییر. مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت های تاریخی فرهنگی)،

۶(۱۱) SID# 1-12, a00384.

معماریان، غ. ح. & پیرنیا، م. ک. (۲۰۱۳). آشنایی با معماری اسلامی ایران.

ممانی، ح.، یاری، ف. & حقیر، س. (۱۳۹۷). مؤلفه های معماری ایرانی-اسلامی و نقش هویت بخش تزئینات. هنر

و تمدن شرق، ۲۱(۶)، ۳۷-۴۶.

منان رئیس، م. & نقره کار، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل

مضمونی متون دینی. پژوهش های معماری اسلامی، ۱(۴)، ۳۰-۴۶. SID.

مهدوی نژاد، م. ج.، & مشایخی، م. (۱۳۸۹). بایسته های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۵)، ۶۵-۷۸.

میرشاه زاده، ش.، اسلامی، س.، & عینی فر، ع. (۱۳۹۰). نقش فضای مرزی - پیوندی، در فرایند آفرینش معنا، ارزیابی توان معنا آفرینی فضا به کمک رویکرد نشانه شناسی. هویت شهر، ۵(۹)، ۵-۱۶. SID.

نتیکو. (۲۰۱۹، ۱۳ December). مطالعه موردی چیست؟ (همره با ۳ نکته مهم). ویرگول.
<https://virgool.io/BookReading/%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%87-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF%DB%8C-fopnhpm4vmzj>

ندیمی، ه. (۱۳۷۸). حقیقت نقش. فرهنگستان علوم، ۱۴(۶)، ۱۹-۳۴.

نقره کار، ع. (۱۳۹۵). نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرا نظریه سلام (SALAM) طرح مدلی (بنیادی- کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (راهبردها، راهکار ها، راه حل ها و نقد فرایندهای انسانی). پژوهش های معماری اسلامی، ۴(۳)، ۴-۲۴. SID.

نقره کار، ع.، رنجبر کرمانی، ع. م.، & حمزه نژاد، م. (۱۳۸۸). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری.

نقره کار، ع.، مظفر، ف.، & تقدیر، س. (۲۰۱۷). تناظر انسان و هستی در اندیشه اسلامی و بازتاب آن در معماری اسلامی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۰(۱۹)، ۷۹-۹۳.

همتی، ش. ا.، ذبیحی، ح.، & کاملی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر نقش حیاط مساجد در شهرهای اسلامی به عنوان فضای شهری؛ مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه (س) قم. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۴(۱)، ۴۳-۵۰. SID.

ویسه، س.، خدابنده، ن.، فرد، ح.، ح.، & طهماسبی، ف. (n.d.). ارائه روش های مناسب در استفاده از مصالح بوم آورد. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۸(۱۲۶)، ۲.

Adida, C. L., Laitin, D. D., & Valfort, M.-A. (2014). Muslims in France: Identifying a discriminatory equilibrium. *Journal of Population Economics*, 27(4), 1039–1086.

Agius, E., & Ambrosewicz, J. (2003). *Towards a Culture of Tolerance and Peace*. International Bureau for Children's Rights.

Alarmouty, T., & Hammad, R. (2020). Employing Heritage Elements in Contemporary Architecture. 3-Mosque's Gates: Case Study in Amman City – Jordan. *JOURNAL OF ENGINEERING AND ARCHITECTURE*, 8. <https://doi.org/10.15640/jea.v8n2a3>

Alrasheedi, G., & Almutawa, F. (2020). Weekend Islamic schools in Europe: Challenges and means of development. *Improving Schools*, 23(2), 190–203. <https://doi.org/10.1177/1365480219869425>

Ardalan, N. (1980). The visual language of symbolic form: A preliminary study of mosque architecture. *Architecture as Symbol and Self-Identity. Proceedings of the Seminar Held in Fez, October 9-12, 1979*, 18–36.

Ardalan, N., Bakhtiar, L., & Haider, S. G. (1973). *The sense of unity: The Sufi tradition in Persian architecture* (Vol. 9). University of Chicago press Chicago.

Arjmandi, H., Tahir, M. M., Shabankareh, H., Shabani, M. M., & Mazaheri, F. (2017). Psychological and spiritual effects of light and color from Iranian traditional houses on dwellers. *E-Bangi*, 8(1).

Avcioglu, N. (2007). Identity-as-form: The mosque in the West. *Cultural Analysis*, 6, 91–112.

Bagby, I. (2012). The American Mosque 2011: Report Number 1 from the US Mosque Study 2011. *Islamic Society of North America*, 1(2), 1–58.

Bano, M. (2022). Islamic Authority and Centres of Knowledge Production in Europe. *Journal of Muslims in Europe*, 11(1), 20–35. <https://doi.org/10.1163/22117954-bja10046>

Basoeki, O. D. H., & Mingchang, W. (2021). INTERNALIZATION OF ISLAMIC VALUES IN THE 21st CENTURY CONSTRUCTION ORNAMENTS. *Religio Education*, 1(2), 97–105. <https://doi.org/10.17509/re.v1i2.41345>

Biondo III. (2006). The Architecture of Mosques in the US and Britain. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 26(3), 399–420.

Blair, S. S., & Bloom, J. M. (2003). The mirage of Islamic art: Reflections on the study of an unwieldy field. *The Art Bulletin*, 85(1), 152–184.

- Burckhardt, T. (2009). *Art of Islam: Language and meaning*. World Wisdom, Inc.
- Campo, J. E. (1991). *The other sides of paradise: Explorations into the religious meanings of domestic space in Islam*. University of South Carolina Press.
- Canter, D. (1977). *The psychology of place*. St Martin's Press.
- Chang, H.-J., Huang, K.-C., & Wu, C.-H. (2006). Determination of sample size in using central limit theorem for Weibull distribution. *International Journal of Information and Management Sciences*, 17.
- Cullen, G. (1995). *The concise townscape*. Routledge.
- Daneshmand, S., & Noghrekar, A. H. (1392). How to design the entrance of the building according to the principles of formation of threshold architecture. *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 11(3), 79–90.
- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable Development*, 19(5), 289–300.
- DOUSTI MOTLAGH, P. (2009). THE STUDY OF ENTRANCE HISTORY. *ARMANSHAHR*, 2(2), 91–104. SID.
- Dwyer, C. (2015). Reinventing Muslim space in suburbia: The salaam centre in harrow, North London. In *The Changing World Religion Map* (pp. 2399–2414). Springer.
- Edrisi Khosroshahi, N. (2020). *A Comparative Analysis of the Entrance of the Safavid Mosques in Tabriz*.
- Effendi, M. N. (2023). REPOSISI PERANAN DAN FUNGSI PERPUSTAKAAN MASJID DALAM MENCERDASKAN UMAT ISLAM. *Jurnal El-Pustaka*, 1(1), 01–13. <https://doi.org/10.24042/el>
- Eimen, A. (2015). Mosque, dome, minaret: Ahmadiyya architecture in Germany since 2000. *International Journal of Islamic Architecture*, 4(1), 109–136.
- El Shakhs, A., & Ezzat, D. M. (2018). Water in Islamic Architecture: Study of the Water Dispensary (Sabil). *Architecture, Arts and Humanistic Science Magazine*, 29(6203), 1–16.
- Eliade, M. (1996). *Patterns in comparative religion*. U of Nebraska Press.

English Regional Development Agencies. (2004). *The Egan Review: Skills for Sustainable Communities*. RIBA Enterprises.

Erzen, J. (2011). Reading Mosques: Meaning and Architecture in Islam. *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, 69, 125–131. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6245.2010.01453.x>

Etikan, S. (2011). The Principles of Ornament in Islamic Art and Effects of These Principles on the Turkish Carpet Art. *Current Research Journal of Social Sciences*, 3(2), 87–95.

Farrag, E. (2017). Architecture of mosques and Islamic centers in Non-Muslim context. *Alexandria Engineering Journal*, 56(4), 613–620. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2017.08.001>

Fathy, H. (2010). *Architecture for the poor: An experiment in rural Egypt*. University of Chicago press.

FATTAHI, S., & OMRANI POUR, A. (2014). ANALYSIS OF THE ROLE OF QEBLA IN THE SPATIAL ORGANIZATION OF CONTEMPORARY MOSQUES IN ILAM CITY. *JOURNAL OF RESEARCHES IN ISLAMIC ARCHITECTURE*, 1(2), 95–111. SID.

Firdaus, M., Amin, B., & Muhammad Chaidar Febriansyah. (2022). Penerapan Konsep Arsitektur Islam Dalam Desain Masjid Islamic Center Di Kabupaten Bantaeng. *TIMPALAJA : Architecture Student Journals*, 4(2), 133–142. <https://doi.org/10.24252/timpalaja.v4i2a4>

Forsyth, D. R. (2018). *Group dynamics*. Cengage Learning.

Frishman, M., & Khan, H.-U. (1994). *The mosque: History, architectural development and regional diversity*. Thames & Hudson.

Fugate, G. N. (2014). Creating an islamic sense of place: Building conversion and the american mosque. *ARCC Conference Repository*.

Gale, R. (2004). The multicultural city and the politics of religious architecture: Urban planning, mosques and meaning-making in Birmingham, UK. *Built Environment*, 30(1), 30–44.

ghaiem, abdol nabi. (1380). A sociological look at the life and culture of the Arab people of Khuzestan. *National Studies*, 7. <http://ensani.ir/fa/article/154236>

Gharipour, M. (2009). Tradition versus Modernity: The challenge of identity in contemporary Islamic architecture. *Morgan State University*.

Ghasemzadeh, B., Atefeh, F., & Tarvirdinassab, A. (2013). Symbols and signs in Islamic architecture. *ERAS: European Review of Artistic Studies*, 4(3), 62–78.

Grabar, O. (1997). The mosque in Islamic society today. *The Mosque*, 245.

Hamdy, R. F., & Al-Assadi, F. I. (2023). *Aesthetic values in Islamic ornamentation—Abbasid architecture as a model*. 020073. 8TH ENGINEERING AND 2ND INTERNATIONAL CONFERENCE FOR COLLEGE OF ENGINEERING – UNIVERSITY OF BAGHDAD: COEC8-2021 Proceedings. <https://doi.org/10.1063/5.0106153>

HAMZEHNEJAD, M., & ARABI, M. (2014). A STUDY OF THE ISLAMIC-IRANIAN ORIGINALITY IN THE CONTEMPORARY MODERN MOSQUES; A CASE STUDY ON MOSAUE OF VALI ASR (A) CROSS-ROAD, TEHRAN. *JOURNAL OF STUDIES ON IRANIAN ISLAMIC CITY*, (15), 42–61. SID.

Hamzenajad, M., Noghrekar, A. H., & Khorasani Moghadam, S. (2014). Conceptual typology of the entrance of mosques in Iran using sacred concepts. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 1(1), 75–100.

Hay, R. (1998). Sense of place in developmental context. *Journal of Environmental Psychology*, 18(1), 5–29.

HAYATI, H., Fakheri Raouf, M., & Karavani, B. (2019). The Role of Qibla in the Orientation of the Traditional Mosques in Dezful City. *BAGH-E NAZAR*, 16(70 #a00438), 55–70. SID.

Helleland, B. (2012). Place names and identities. *Oslo Studies in Language*, 4(2).

HEMMATI, S., ZABIHI, H., & KAMELI, M. (2014). AN ANALYSIS ON THE ROLE OF THE MOSQUES COURTYARD IN ISLAMIC CITIES AS URBAN SPACES (A CASE STUDY: ISLAMIC REVOLUTION COURTYARD IN THE SANCTUARY OF HAZRATE MASOUMEH (S) IN QOM). *JOURNAL OF STUDIES ON IRANIAN ISLAMIC CITY*, (14), 43–50. SID.

Hillenbrand, R. (1994). *Islamic architecture: Form, function, and meaning*. Columbia University Press.

Hobsbawm, E., & Ranger, T. (2012). *The invention of tradition*. Cambridge University Press.

HOJATI, S. M. B., & SALMAN, B. (2006). CO-EXISTENCE OF FOLLOWERS OF MONOTHEISTIC RELIGIONS FROM THE VIEWPOINT OF QURAN AND HADITHS. *PAZHUHESH-DINI (RELIGIOUS STUDY)*, (13), 29–49. SID.

Hojjatollah, R. K. (2012). Identity Discourse in Islamic Architecture. *Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 2(1), 926–934.

Hornsey, M. J. (2008). Social identity theory and self- categorization theory: A historical review. *Social and Personality Psychology Compass*, 2(1), 204–222.

HOSSEINI, S. B., & KAMELI, M. (2014). THE EFFECT OF STRUCTURAL ELEMENTS IN TRADITIONAL AND MODERN MOSQUES ON THE MINDS OF CHILDREN IN IRAN. *JOURNAL OF RESEARCHES IN ISLAMIC ARCHITECTURE*, 1(2), 147–160. SID.

Jacobson-Widding, A. (1998). Att få en identitet utan namn. Släktskapstermernas betydelse för personlig identitet bland shonafolken i Zimbabwe [Getting an identity without a name. The significance of kinship terms for personal identity among the Shona population in Zimbabwe]. *Andersen, T., E. Brylla & A. Jacobson-Widding (Eds.). Personnamn Och Social Identitet. Handlingar Från Ett Natur Och Kultur-Symposium i Sigtuna 19–22 September 1996. Konferenser 42. Kungl. Vitterhets Historie Och Antikvitets Akademien*, 157–177.

Kahera, A. I. (2010). *Deconstructing the American mosque: Space, gender, and aesthetics*. University of Texas Press.

Kahera, A. I., Abdulmalik, L., & Anz, C. (2009). *Design Criteria for Mosques and Islamic Centres: Art, Architecture and Worship*. Routledge.

Kamal, M. A. (2021). MINARETS AS A VITAL ELEMENT OF INDO-ISLAMIC ARCHITECTURE: EVOLUTION AND MORPHOLOGY. *Journal of Islamic Architecture*, 6(3), 203–209. <https://doi.org/10.18860/jia.v6i3.7711>

Kassim, N., Abdullah, N., & Taib, M. (2014). Decoration in Praying Hall of Mosque: A Review of Current Literature. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 153. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.10.040>

Kaymaz, I. (2013). Urban landscapes and identity. In *Advances in landscape architecture*. IntechOpen.

Kero, P., & Lee, D. (2016a). Likert is Pronounced “LICK-urt” not “LIE-kurt” and the Data are Ordinal not Interval. *Journal of Applied Measurement*.
<https://www.semanticscholar.org/paper/Likert-is-Pronounced-%22LICK-urt%22-not-%22LIE-kurt%22-and-Kero-Lee/e31227b9cf350e96ba55e02c6fed534c8ca84756>

Kero, P., & Lee, D. (2016b). Likert is Pronounced “LICK-urt” not “LIE-kurt” and the Data are Ordinal not Interval. *Journal of Applied Measurement*.
<https://www.semanticscholar.org/paper/Likert-is-Pronounced-%22LICK-urt%22-not-%22LIE-kurt%22-and-Kero-Lee/e31227b9cf350e96ba55e02c6fed534c8ca84756>

Khakpour, M., & Kateb, F. (2017). A Comparative Study of Religious Architecture in Christianity and Islam A Criticism of Titus Burckhardt’s Theory. *BAGH-E NAZAR*, 14(50), 57–68.

Khalidi, O. (1998). Approaches to mosque design in North America. *Muslims on the Americanization Path*, 399–424.

Khan, H. (2008). Contemporary Mosque Architecture. *Isim Review*, 21, 52–53.

Khan, H.-U. (1990). The architecture of the mosque, an overview and design directions. *Expressions of Islam in Buildings*, 109–127.

KHANMOHAMMADI, M., AZIMI, S., RAHMANEI, Y., & HOSSAINI, M. (2016). STUDYING THE QUALITATIVE AND QUANTITATIVE ROLES OF IVAN IN TRADITIONAL HOUSES AND REVITALIZATION OF THEM IN THE SHAPE OF THE TERRACE (CASE STUDY: MID-RISE APARTMENTS IN TEHRAN). *HOVIATESHAHR*, 10(26), 21–32. SID.

Kiaee, M., Peyvastehgar, Y., & Heidari, A. A. (2017). *EYVAN BASIC POSITION TO IMPROVE OPERATIONAL EFFICIENCY IN MOSQUES*. 5(1140014), 68–83.

Koopmans, R. (2005). *Contested Citizenship: Immigration and Cultural Diversity in Europe*. U of Minnesota Press.

Korpela, K., Kyttä, M., & Hartig, T. (2002). Restorative experience, self-regulation, and children’s place preferences. *Journal of Environmental Psychology*, 22(4), 387–398.

Kouider, R., & Ivashko, J. (2018). Study Methodology of the Architectural Periodization of Algerian Mosques and the Ritual Role of Elements (Mihrab, Minbar, Qibla, Bath for Ablution) in the Islamic Worship Service. *Środowisko Mieszkaniowe*, 22, 28–36.

<https://doi.org/10.4467/25438700SM.18.025.8706>

Kuban, D. (1974). *Muslim Religious Architecture, 1. The Mosque and its Early Development*. Brill.

Lane, J.-E. (2023). Fundamental Issues in Social Science. *Open Journal of Philosophy*, 13(01), 104–111. <https://doi.org/10.4236/ojpp.2023.131007>

Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 28(3), 209–231.

Lotfi, A. (2001). Creating Muslim space in the USA: Masjid and Islamic centers. *Islam and Christian-Muslim Relations*, 12(2), 235–254.

Mahboobi, G., Mokhtabad, M., & Attarabbasi, M. (2017). Realization of the Symbiosis of Interior and Exterior in the Architecture of Mosques in Iran (with an Emphasis on Fuzzy Method). *Kimiahonar*, 5(21), 57–75.

MAHBOOBI, G., MOKHTABAD, M., ETESAM, I., & ATTARABBASI, M. (2018). SYMBIOSIS OF INSIDE AND OUTSIDE IN ARCHITECTURE OF THE NAQSH-E JAHAN SQUARE. *BAGH-E NAZAR*, 15(58 #M00361), 53–66. SID.

MAHMOUDI, A. E. (2005). A REVIEW OF THE SIGNIFICANCE OF THE EL VAN IN TRADITIONAL HOUSES (IN PARTICULAR AS RELATED TO THE CITY OF BAM). *HONAR-HA-YE-ZIBA*, (22), 53–62. SID.

Mamani, H., Yari, F., & Haghiri, S. (2018). Components of Iranian-Islamic Architecture and the Identity-Constructing Role of Embellishments. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 6(21), 37–46. <https://doi.org/10.22034/jaco.2018.77148>

MANNAN RAEISI, M., & NOGHREKAR, A. (2014). GEOMETRIC-SPATIAL EVALUATION OF TEHRAN CONTEMPORARY MOSQUES BY USING THEMATIC ANALYSIS OF RELIGIOUS TEXTS. *JOURNAL OF RESEARCHES IN ISLAMIC ARCHITECTURE*, 1(4), 30–46. SID.

Mazumdar, S., & Mazumdar, S. (2004). Religion and place attachment: A study of sacred places. *Journal of Environmental Psychology*, 24(3), 385–397.

Memarian, G. hossein, & Pirnia, M. (2013). *Introduction to Iranian Islamic architecture*.

MIRSHAHZADEH, S., ESLAMI, S. G., & EINIFAR, A. (2012). THE ROLE OF BORDERLINE-HYBRID SPACE IN SIGNIFYING PROCESS: EVALUATION OF INTERPRETATION POTENTIALITY OF THE SPACE EMPLOYING SEMIOTIC APPROACH. *HOVIATESHAHR*, 5(9), 5–16. SID.

Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 93–116.

Moradinasab, H., BEMANIAN, M., & ETESAM, I. (2019). Qualitative Role of Geometry in Formal Stability of the Central Courtyard of Iranian Mosques. *JOURNAL OF ARCHITECTURAL THOUGHT*, 2(4 #100453), 53–62. SID.

Morbidoni, M. (2013). The Mosque in the European City: Testing the Cohabitation. *Planum. The Journal of Urbanism*, 27(2), 25–33.

MOZAFAR, F., NADIMI, H., & Salehi, A. (2016). Identity of Historic Places in the Context of Change. *MAREMAT-E ASAR & BAFT-HAYE TARIKHI-FARHANGI*, 6(11 #a00384), 1–12. SID.

Munson, C., & Chetkow-Yanoov, B. H. (1999, March 11). *Celebrating Diversity: Coexisting in a Multicultural Society*. <https://www.semanticscholar.org/paper/Celebrating-Diversity%3A-Coexisting-in-a-Society-Munson-Chetkow-Yanoov/dc3077f652f198c65808e16576c109f98127b0d2>

Mupepi, M. (Ed.). (2017). *Effective Talent Management Strategies for Organizational Success*: IGI Global. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-1961-4>

NADIMI, H. (1999). The Truth of the Pattern. *Letter from the Academy of Sciences*, 14(6), 19–34.

Narimani, P., & Sattari Sarbangholi, H. (2016). INTRODUCTION TO THE SYMBOL-IDENTIFICATION OF THE PRESENCE OF WATER IN IRAN'S MOSQUES ARCHITECTURE. *THE TURKISH ONLINE JOURNAL OF DESIGN, ART AND COMMUNICATION*, 6, 217–227. <https://doi.org/10.7456/1060ASE/021>

Nasr, S. H. (1988). *Knowledge and the Sacred*. Suny Press.

Nasr, S. H. (1990). *Islamic art and spirituality*. Suny Press.

Nata, A. (2021). Peran dan fungsi masjid di Indonesia dalam perspektif pendidikan Islam. *Ta'dibuna: Jurnal Pendidikan Islam*, 10(3), Article 3.
<https://doi.org/10.32832/tadibuna.v10i3.5203>

Necipoglu, G., & al-Asad, M. (1996). *The Topkapi Scroll—Geometry and Ornament in Islamic Architecture* (1 edition). Oxford University Press.

Noghrekar, A. H., Hamzenajad, M., & Ranjbarkermani, A. M. (2008). *An Introduction to Islamic Identity in Architecture*. Department of Housing and Urban Development.
<https://www.gisoom.com/book/1600779/کتاب-درآمدی-بر-هویت-اسلامی-در-معماری>

Noghrekar, A. H., Mozaffar, F., & Taghdir, S. (2017). Communication of Man and Universe in Islam: The Reflection in Islamic Architecture, Based on Transcendent Wisdom. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal*, 10(19), 79–93.

Norzalifa, Z. A. (2003). The Expression of The Interior Decoration in The Traditional Mosque in Malacca-A Critical Reviews of Its Elements in Relation To Islamic Arts. *Univeristy Teknologi Mara*.

Omar S. Asfour. (2016). Bridging the Gap Between the Past and the Present: A Reconsideration of Mosque Architectural Elements. *Journal of Islamic Architecture*, 4(2), 77–85. <https://doi.org/10.18860/jia.v4i2.3559>

Omer, S. (2009). *The philosophy of decoration in Islamic architecture*. Kuliyyah of Architecture and Environmental Design, International Islamic

Omer, S. (2010). Some Lessons from Prophet Muhammad (SAW) in Architecture: The Prophet's Mosque in Madīnah. *Intellectual Discourse*, 18(1).

Othman, A. (2023). Rooting the term and the architectural element “iwan” in ancient civilizations. *International Journal of Multidisciplinary Studies in Heritage Research*, 6, 49–66.
<https://doi.org/10.21608/ijmshr.2023.206462.1010>

Othman, R., & Ahmad, Y. (2011). Importance of Motif and Ornamentation in Mosque Architecture. *Journal of Design+ Built*, 2.

Pretty, G. H., Chipuer, H. M., & Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. *Journal of Environmental Psychology*, 23(3), 273–287.

Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147–169.

Punter, J. (1991). Participation in the design of urban space. *Landscape Design*, 200(1), 24–27.

Rabbat, N. (2012). What is Islamic architecture anyway? *Journal of Art Historiography*, 6, 1.

Raza, M. S. (1991). *Islam in Britain: Past, present and the future* (1. publ. in paperback). Volcano Press.

Relph, E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 67). Pion London.

REZAEINIA, A. A. (2017). THE FORM OF IWAN IN THE CONTEXT OF IRANIAN ARCHITECTURE, FROM THE BEGINNING TO THE EARLY ISLAMIC CENTURIES. *JOURNAL OF ARCHITECTURE STUDIES*, 6(11), 125–144. SID.

Roose, E. (2012). The Myth of the Orientalist Mosque. Towards an Iconography of Islamic Architecture in the Netherlands. *Canadian Journal of Netherlandic Studies*, 2013, 83–106.

roostam nejad, mehdi. (1390). Principles governing dialogue and coexistence with followers of religions (with emphasis on the Holy Quran). *Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*, 1390,(36). <http://ensani.ir/fa/article/299322>

Saint, J., England, A., Ali, A. M., & Bonnett, L. (2022). The effect of different statistical approaches on image quality data obtained from radiological examinations. *Radiography*, 28(2), 518–523. <https://doi.org/10.1016/j.radi.2021.11.006>

Saint, J., England, A., Mohammed Ali, A., & Bonnett, L. (2022). The effect of different statistical approaches on image quality data obtained from radiological examinations. *Radiography*, 28(2), 518–523. <https://doi.org/10.1016/j.radi.2021.11.006>

SALMANI, A., RAHIMI, M. H., & KHAKZAND, M. (2016). ANALYSIS OF THE IMPORTANCE, PRIORITY AND ORIGINALITY OF OPEN SPACE IN THE MOSQUE. *JOURNAL OF RESEARCHES IN ISLAMIC ARCHITECTURE*, 3(4 (9)), 34–49. SID.

Sandercock, L., & Bridgman, R. (1999). Towards cosmopolis: Planning for multicultural cities. *Canadian Journal of Urban Research*, 8(1), 108.

Sarookhani, B. (2001). *The social sciences encyclopedia*. Tehran: Keyhan.

Schulz, C. N. (1980). Genius loci: Towards a phenomenology of architecture. *Academy Editions, London*.

Serageldin, I. (1996). Introduction: A critical methodology for discussing the contemporary mosque. *Architecture of the Contemporary Mosque*, 12–19.

Shafiq, J. (2014). Architectural Elements in Islamic Ornamentation: New Vision in Contemporary Islamic Art. *Arts and Design Studies*, 21, 11–21.

Siapera, E. (2006). Multiculturalism online: The internet and the dilemmas of multicultural politics. *European Journal of Cultural Studies*, 9(1), 5–24. <https://doi.org/10.1177/1367549406060804>

Statham, P., & Tillie, J. (2016). Muslims in their European societies of settlement: A comparative agenda for empirical research on socio-cultural integration across countries and groups. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 42(2), 177–196.

Stevenson, A. (2010). *Oxford dictionary of English*. Oxford University Press, USA.

Steyn, G. (2018). Architecture and identity: Colours, textures and materials that speak of South Africa. *South African Journal of Art History*, 33(1), 41–65.

Sultanzadeh, H. (1994). Entry spaces in the traditional architecture of Iran. *Tehran, Iran: Municipality of Tehran*.

SUTRIYONO, S. (2021). Peran Dan Fungsi Sosial Masjid Dalam Meningkatkan Kualitas Keagamaan Masyarakat Desa Palalangan. *KASBANA : Jurnal Hukum Ekonomi Syariah*, 1, 125–141. <https://doi.org/10.53948/kasbana.v1i2.28>

Taghdir, S. (2017). Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural worksBased On Transcendent Wisdom. *JRIA*, 5(1), 48–67.

TAHER TOLOU DEL, M. S., MAHDINEJAD, J., & Sadeghi Habib Abad, A. (2017). RECOGNITION OF DURABILITY OF SACRED IMAGES' NATURE IN THE IRAN ISLAMIC TRADITIONAL ARCHITECTURE BASED ON IDENTIFICATION OF THE STABLE IDENTITY OF IRANIAN CONGREGATIONAL MOSQUES. *JOURNAL OF SUSTAINABLE ARCHITECTURE AND URBAN DESIGN*, 4(2 #R00142), 17–30. SID.

Tajfel, H. (1981). *Human groups and social categories: Studies in social psychology*. Cup Archive.

Tamis- LeMonda, C. S., Way, N., Hughes, D., Yoshikawa, H., Kalman, R. K., & Niwa, E. Y. (2008). Parents' Goals for Children: The Dynamic Coexistence of Individualism and Collectivism in Cultures and Individuals. *Social Development*, 17(1), 183–209. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9507.2007.00419.x>

Tang, Y., & Tang, Y. (2015). *The Coexistence of Cultural Diversity: Sources of the Value of Harmony in Diversity*. 285–290. https://doi.org/10.1007/978-3-662-45533-3_23

Tavassoli, M., & Bonyadi, N. (1992). Urban space design 1&2. *Urban Planning and Architecture Research Centre of Iran, Tehran*.

Tayefeh, E., Hodjat, E., & Ansari, H. (2016). Definition and Establishment of an Analytical Model for Architectural Form based on Assessment and Rethinking of the Criticism Framework. *Jias*, 4(8), 73–88.

Todd, R. W. (2011). Analyzing and Interpreting Rating Scale Data from Questionnaires. *rEFlections*, 14, 69–77. <https://doi.org/10.61508/refl.v14i0.114230>

Turner, H. W. (2011). *From temple to meeting house: The phenomenology and theology of places of worship* (Vol. 16). Walter de Gruyter.

Twigger-Ross, C., Bonaiuto, M., & Breakwell, G. (2003). *Identity theories and environmental psychology*. na.

Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology*, 16(3), 205–220.

Usman, I. (2020). Revitalizing the Role and Function of the Mosque as a Center for Da'wah Activities and Community Development. *SAMARAH: Jurnal Hukum Keluarga Dan Hukum Islam*, 4, 1. <https://doi.org/10.22373/sjkh.v4i1.7050>

Utaberta, N., Sojak, S. D. M., Surat, M., Che-Ani, A. I., & Tahir, M. M. (2012). Typological Study of Traditional Mosque Ornamentation in Malaysia—Prospect of Traditional Ornament in Urban Mosque. *World Academy of Science, Engineering and Technology*, 67, 624–631.

Uzzell, D., Pol, E., & Badenas, D. (2002). Place identification, social cohesion, and environmental sustainability. *Environment and Behavior*, 34(1), 26–53.

Verkaaik, O. (2012). Designing the 'anti-mosque': Identity, religion and affect in contemporary European mosque design. *Social Anthropology*, 20(2), 161–176. <https://doi.org/10.1111/j.1469-8676.2012.00198.x>

Verkaaik, O. (2020). The Anticipated Mosque: The Political Affect of a Planned Building. *City & Society*, 32(1), 118–136. <https://doi.org/10.1111/ciso.12241>

Verkuyten, M., Yogeeswaran, K., & Adelman, L. (2022). The social psychology of intergroup tolerance and intolerance. *European Review of Social Psychology*, 34, 1–43. <https://doi.org/10.1080/10463283.2022.2091326>

Von Meiss, P. (2013). *Elements of Architecture: From Form to Place+ Tectonics*. EPFL Press.

Watson Todd, R. (2018). Analyzing and Interpreting Rating Scale Data from Questionnaires. *rEFlections*, 14, 69–77. <https://doi.org/10.61508/refl.v14i0.114230>

Welzbacher, C. (2008). *Euro Islam architecture: New mosques in the West*. SUN Publishers.

Wilber, D. N. (1986). *Islamic architecture of Iran in Ilkhanid period*. Translate by Abdollah Faryar. Tehran: Scientific and cultural press.

Wren, T. (2002). Cultural identity and personal identity. In *Personal and moral identity* (pp. 231–258). Springer.

Yassin, A. A., & Utaberta, N. (2012). architecture in the Islamic civilization: Muslim building or Islamic architecture. *Journal of Islamic Architecture*, 2(2).

Zahra, F. (2022). *Spiritual Aesthetics of Islamic Ornamentation and the Aesthetic Value in Islamic Architecture*. <https://www.semanticscholar.org/paper/Spiritual-Aesthetics-of-Islamic-Ornamentation-and-Zahra/2e1c335f5e3dca4d26f69d49174761bbb20d45f6>

Zahra, F., & Shahir, S. (2022). Development and Evolution of Palmette Ornament: An Influence on Islamic Architecture. *Landscape Architecture and Art*, 21(21), 124–130. <https://doi.org/10.22616/j.landarchart.2022.21.13>

Zargar, A., Nadimi, H., & Mokhtarshahi, R. (2007). *Mosque Architecture Guide*. <https://www.gisoom.com/book/1419530/کتاب-راهنمای-معماری-مساجد>

Proshansky ^۱

Schulz ^۲

Steyn ^۳

Cullen ^۴

Tolerance ^۵

Peter King ^۶

Heinz Wetzel ^۷

Context ^۸

Porter ^۹

Capon ^{۱۰}

Formal Context ^{۱۱}

Visual Context ^{۱۲}

Huaman Context ^{۱۳}

Çizgen ^{۱۴}

Omer ^{۱۵}

Fugate ^{۱۶}

Ahmed ^{۱۷}

Khalidi ^{۱۸}

Kahera ^{۱۹}

Raza ^{۲۰}